

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم!  
علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

صفحه ۳

طرح عفاف و حجاب در جا شگست خورده است!

هلاله طاهری

صفحه ۴

زنده باد شوراها!

کمونیست هفتگی میپرسد؛

صفحه ۶

چه کسی گفت: انقلابی که میشود، میتواند خیلی زنانه باشد؟

بازنگری یک انقلاب تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش سوم: زن، زندگی، آزادی

پروین کابلی

صفحه ۸

سالگرد خیزش انقلابی! آیا امکان برآمد توده ای دیگری

هست؟

گفتگو با رحمان حسین زاده

صفحه ۱۱

در مورد جنایت سلفی ها در کردستان

کمونیست هفتگی می پرسد

صفحه ۱۳

در باره تهدیدهای پاسدار رادان

یادداشت‌های سیاوش دانشور

صفحه ۱۴

سلفی های آدمکش را گوشمالی دهید!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

صفحه ۱۵

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

۷۰۹  
مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۶ مرداد ۱۴۰۲ - ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۳

فرصتهای تاریخی را

دریابیم!

هر روز که می گذرد زمان برای پایان دادن به جهنمی که جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم ساخته است، تنگتر می شود. از تنفسی که مردم درخیزش انقلابی اخیریا فروکش اعتراضات خیابانی همچون ماههای اول آن به جمهوری اسلامی دادند، امکان پیدا کرد تا خود را بطور موقت از سردرگمی و ناتوانی و بحرانی که در نتیجه تعرض توده ای تمام وجودش رافرا گرفته بود نجات دهد و خود را برای مقابله با مردم و موج بعدی خیزشها آماده کند. در خیزش انقلابی چند ماهه اخیر خیلی آشکار شد که رژیم این چنین وحشی، سرکوبگر که اساسا بنده ناف و حیاتش فقط و فقط به ابزار سرکوب و خشونت وصل است، وقتی مردم اراده کنند می توانند حریفی به این درجه وحشی را نیز زمین بزنند. و این اتفاق افتاد. مردم و افکار عمومی جهان به واقع فلاکت و درماندگی رژیم اسلامی را به چشم دیدند. هست و نیست جمهوری اسلامی از مذهب و اعتقادات خرافی تا احکام زن ستیزانه و حجاب اسلامی و هر آنچه جمهوری اسلامی برای ادامه بقا به آن بند بود و بخشی از مردم را فریب داده بود، فروریخت و دیدند که این رژیم خونخوار چگونه با قدرت اعتراض توده ای و تعرض زنان با موج برگشت روبرو شد. چگونه زنان با حجاب سوزان و پرت کردن پرچم بردگی، درسی به جمهوری اسلامی و مرتجعین و هواخواهان آن در داخل و خارج دادند که دنیا را حیرت زده کرد.

این روند علازم سرکوب

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



است این است که چگونه به این وضع پایان دهند. چگونه با سرکوبگری های رژیم مقابله کنند. چه راههایی را در پیش بگیرند که دستگاه سرکوب رژیم را فلج کنند و جوانان، زنان، دانشجویان و کارگران با مبارزه و مقابله و گسترش اعتصاب رژیم را به زانو در بیاورند. مسئله امروز جامعه ایران علاوه بر فقر و نداری و بیکاری که به آنها تحمیل شده و بیشتر وقت زندگی آنان به دوندگی برای تهیه لقمه نانی، تهیه سرپناهی صرف می شود، باز مسئله گری، چگونگی مقابله و پایان دادن به عمر این رژیم است.

دو ماه دیگر سالروز انقلاب مهسا است. جمهوری اسلامی با تمام توان برای مقابله با مردم و تکرار آن خود را آماده می کند. هر جا بویی از حضور فعالین، و انسانهای مبارزو آزادیخواه می کشد به سراغ آنان می رود. فشار را بر خانواده جانباختگان، زندان سیاسی و تهدید به اعدام زندانیان سیاسی را چند برابر کرده است.

### چه باید کرد

ما نمی توانیم عقب بکشیم. این وضعیت قابل تحمل نیست. رژیم اسلامی امید دارد که از این بحران سیاسی جان سالم به دربرد. خودشان هم شک دارند که موفق شوند. ناباوری در صفوف آنان موج می زند. این فرصت تاریخی را که خود مردم ساختند و هزینه سنگینی دادند، نباید از دست دهند. جوانان، زنان، کارگران برای مقابله خود را سازمان دهند. در جمهوری اسلامی از نان و کارو آزادی خبری نیست و نخواهد بود. جمهوری اسلامی همین است که ۴۴ سال است مردم تجربه کرده اند. فقر، فلاکت، جنایت و اعدام و زندان. این رژیم را با قدرت و مبارزه توده ای و کارگری می شود انداخت. انتخاب دیگری در مقابل ما نیست. این بربریت سرمایه داری و اسلامی را باید پائین کشید. این ممکن است. مردم می خواهند و می توانند به شرطی که با قدرت و سازماندهی به میدان بیایند. این فرصتهای تاریخی را دریابیم.

### سردبیر



## فرصتهای تاریخی را دریابیم!

خشن و رفتار وحشیانه با زنان و فروکش کردن اعتراضات خیابانی به قوت خود باقی است. میان مردم و جمهوری اسلامی هیچ چیزی تغییر نکرده است. آنچه و آن فاکتورهایی که اکثریت مردم از کارگر و معلم و زن و جوان را به این کشمکش نهایی با حکومت سرمایه داری و مذهبی در ایران کشاند نه تنها کاهش پیدا نکرده اند، بر عکس بسیار تشدید شده اند و فاصله میان مردم و رژیم اسلامی دریایی از خون و خشونت است و مردم نمی توانند کوتاه بیایند. جمهوری اسلامی در داخل جنایت می کند و برای بقا در مقابل رقبای خود خارج از مرزها به کرنش روی آورده است.

در مقابل خشونت و اعدام و زندان، مقاومت و مبارزه به شیوه های مختلف ادامه دارد. تهدیدات سران و فرماندهان رژیم و انواع و اقسام طرح و برنامه همچون "عفاف و حجاب" و خط و نشان کشیدن و تهدید برای کنترل زنان و وادار کردن آنان به رعایت حجاب، محلی از ارباب ندارد. همه این وحشیگری دنیا می داند اگرچه در ظاهر اقتدار رژیم را نشان می دهد، اما ناشی از ضعف و درماندگی رژیمی است که مردم قبولش ندارند و برای سرنگونی آن خیز برداشتند. سرکوب، خشونت، ارباب زندان تنها ابزار رژیم اسلامی برای ادامه بقا است. و این را خودشان خوب فهمیده اند که این ابزار زنگ زده رنگ باخته است، اما چاره ای ندارند. کار به جایی رسیده است از آنجایی که بلاخره بعد از این همه جنایت زورشان به مردم نمی رسد و زنان در مقابلشان ایستاده اند، دوباره اراذل و اوباش اسلامی را به خیابانها گسیل داده اند و احمد رضا "نادان" فرمانده کل انتظامی ایران این چنین به خشم آمده است و می گوید که "در مسیری که قرار گرفته ایم عقب نشینی نداریم، می گوید کسی جرئت کرد در هر نقطه ای از کشور به ما تعرض کند، کمترین کارگذاشتن از جنازه اش است. و کسانی بخواهند از دیوار قانون عبور کنند، از آنها عبور می کنیم." این سخنان فرمانده یک مملکت است که از فردماندگی چنین پیامی برای مردم دارد. یک مشت جنایتکار و قاتل و وحشی همچون رادان یکسال است که از روی جنازه صدها جوان شریف و انقلابی رد شدند، هزاران نفر را اسیر کردند و صدها چشم را کور کردند و به زنان تجاوز کردند به این امید که مردم دست از اعتراض و مبارزه بردارند، زنان از مبارزه ای که برای پایان دادن به آپارتاید اسلامی و جنسی آغاز کرده اند دست بکشند به خانه هایشان برگردند. بعد از یکسال و این همه خشونت و جنایت "فرمانده، درمانده" آشکارا مردم را به مرگ تهدید می کند و این، نه نشانه قدرت، که نشانه درماندگی و گرفتاری عمیقی است که کل حاکمیت دچار شده اند. این روحیه دادن به نیروهای سرکوب و آماده شدن برای مقابله با موج اعتراضی بعدی است.

رژیم اسلامی هر چقدر هم زور بزند و هنوز قدرت سرکوب در چنته دارد، محال است جامعه را به عقب برگرداند. مقاومت و مبارزه زنان، جوانان، کارگران به همه سران رژیم فهمانده است که اگر طیفی از آنان هنوز به ماندن رژیم توهم داشتند، از این باوردارند فاصله می گیرند و می گویند "رژیم با سیاستهایی که در پیش گرفته خود برانداز شده" تا خشم مردم را کاهش دهند و اعتراض آنان را کنترل کنند. و این ظرفها منتهاست در میان مردم رخت بر بسته و باوری به این رژیم همه جناحهای آن نمانده است. آنچه مشغله اکثریت مردم

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## فراخوان حزب حکمتیست

## به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهرپور برویم! علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی!

مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانباختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه بمیدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست  
۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه باروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانباخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را درهم شکند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد اقتضاح بیار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

### کارگران، زنان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بپا خاستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست اینست که سالروز قتل

### طرح عفاف و حجاب در جا شگست خورده

است!

هلاله طاهری

است که دوباره آپارتاید را در فضای امروز ایران برقرار کرد. آنچه مشهود است که زمان به عقب برنمیگردد و مردم با بهایی که هر روز میدهند نه فقط این طرح بلکه کل رژیم را نشانه گرفته اند. اگر برای رژیم اجرای نیمه ناقص این طرح راهیست برای برون رفت از "جنجال" و راهیست برای هموار کردن دور بعدی انتخابات جمهوری اسلامی، اما برای مردم بهانه ایست برای تعرض انقلابی و خیزش همگانی. ندای انقلاب خاموشی ندارد!

هلاله طاهری

"دردادگاه نه از خود که از انقلاب مردم  
"زن، زندگی، آزادی دفاع کردند."

در کنار مردم ماندم تا صدایشان باشم

به عملکردم به عنوان یک روزنامه نگار

افتخار می کنم

الهه محمدی و نیلوفر حامدی



شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



را مسخره میکنند. آخرین دستاوردهای عصر جدید را میخواهند. میخواهند زندگی خارج از ازدواج، آزادی بی قید و شرط پوشش، رهایی از دین در همه شئون زندگی و یک زندگی مرفه با معیارهای اروپایی داشته باشند. بعید است نسل مدرن کنونی که فرسنگها جلوتر از عصر قاجار و پهلوی هستند، که چهار دهه است

با جمهوری اسلامی حریف شده اند تره برای پرچم سه رنگ با شیرو خورشید تاجدار و یا عمامه های رنگی و مغنعه های صورتی خورد کنند. نسلی اند که جداسازی انسانها و نژادپرستی را عار و ننگ میدانند. حجاب سلبریتی و کیش مونارکی و جانم فدای میهن و قوم من - قوم تو در میان جوانان، کارگران، جنبشهای سکولار خریداری ندارد. قوم ما یعنی انسان. انسانهایی که گیر چند اهریمنی چون خامنه ای و سیبستم دینی اش، سرمایه داران و پولشورهای بلیونی در ایران هستند. این نسل بجایش شعار آزادی، برابری، رفاه، آزادیهای بی قید و شرط بیان، سیاسی و ایجاد تشکل، معیشت و بیمه رایگان را میخواهند. طبق آمار چند ماهه گذشته رقص و پاپکوبی مختلط، بی حجابی و پوشیدن لباسها با هر مدلی، دهن کجی به چادریهای گشت ارشاد، کتک و مسخره کردن آنها بیش از هر دوره ای از طول عمر جمهوری اسلامی بالا بوده است. این یعنی چی؟ مگر خشونت و کنترل برای یک لحظه کم شده است؟ مسلما نه! این جواب مردم به آخرین حربه های رژیم و جوابیست به طرح عفاف و حجاب.

یکی از تجربه های سخت برای رژیم در این چهل و چهار سال مسئله اعتراضات بدون وقفه زنان علیه حجاب بوده است و تنها به مسئله حجاب هم ختم نمیشود. نقض تمامی ارزشهای زن ستیزانه موضوع مبارزه جوانان و زنان علیه رژیم بوده است. در چند ماه اخیر رژیم تقریباً همه شگردهای تاکنونی خود را برای سرکوب اعتراضات بکار برده است. اعدامها را شدت داد و زندانیان سیاسی را بیشتر و بیشتر کرد. خانواده های زیادی در وضعیت خطرناک و غیر باوری هر روز نگران و پریشان بدنبال سرنوشت فرزندان شان بوده اند. همان موقع رژیم هدفمند انتقام از کودکان و نوجوان در مدارس دخترانه در سراسر ایران را براه انداخت و صدها مدراس با حمله های شیمیایی رژیم از درون کلاسهای درس و آشپزخانه های مدارس جان هزاران کودک را به خطر مرگ انداخت. جمعه های خونین بلوچستان که هر هفته در مقابل رژیم به تظاهرات میپرداختند سرکوب و صدها کشته و زخمی و هزاران زندانی روپرو شد. به کردستان حمله میکنند و به ترور افراد احزاب سیاسی و شخصیتهای سیاسی دست زده اند.

طرح عفاف و حجاب که هنوز امضای آن خشک نشده بود در خیابانها مشغول قربانی گرفتن بود. آمار پلمپ مغازه ها و باشگاهها و جریمه های میلیاردی خانواده ها سر به صد ها زد. طرح یازده ماده ای حجاب و عفاف (این طرح طولانی بخشهای متفاوتی دارد اما این یازده ماده آشکارترین بخشی ست که به زندگی روزانه مردم گره خورده و به تنبیه زنان و مردم میپردازد) تنبیه و زندان و بی شخصیت کردن انسانها را در کنار بیکار کردن و بریدن منبع درآمد مردم و ایجاد فقری مضاعف تشدید کرد. گشت ارشاد را دوباره به جان مردم انداخت. از هر زوایه ای که خود را تحت فشار و یا مورد حمله بداند به مقابله سخت پرداخته است. اما "نافرمانی" و "فساد بدحجابی" و "کارهای غیر قانونی" انگار که سر باز ایستادن ندارد. مردم شبانه روز قوانین

صفحه ۵

## طرح عفاف و حجاب در جا شکست خورده است!

هاله طاهری

"مسئله حجاب خاکریز اوله، اگر این خاکریز بریزه دیگر خاکریزها را به دنبال خواهد داشت." اینرا محمد حسنی رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در اوایل شروع اعتراضات یکساله به خودیها گوشزد کرد که زمین لرزه ای با ریشتر بالای رژیم اسلامی را نشانه گرفته است و جنبش ضد حجاب اسلامی آن زلزله ای بود که کل نظام را نشانه رفته است.

در تاریخ اسلام هیچ جنبشی بطور علنی در خیابانها حجاب را آتش نزده است. چهار دهه مقابله سخت میان دو جبهه زنان و جوانان از طرفی و حکومت اسلامی در مقابل آن هرگز فرامین انسان ستیز اسلامی را قبول نکردند. در این مسیر طولانی تا به امروز هزاران نفر جان باختند و زندانی شدند. تنها در این نبرد آشکار ده ماه گذشته بیش از هفتصد نفر از زنان و مردان جوان، فعالین حقوق بشر و کارگران معترض کشته شدند و هزاران جوان و اکتیویست فرهنگی و اجتماعی به زندانها افتادند. نیروهای سپاه و امنیتی رژیم همه اسلحه های جنگی تاکنونی باضافه تکنیک مدرن را بکار بردند تا شرایط را کنترل کنند. اما مشهود بود که اوضاع مطلقاً نمیتواند به یک سال قبل برگردد. بناچار طرحی به نام "عفاف و حجاب" بسرعت تصویب شد تا شاید اصالت یک رژیم در حال زوار در رفته را پینه دوزی کند. وحشت رژیم را از این جنبش و انتظاری که شاید این طرح بتواند نتیجه دهد را از زبان خودشان ببینید:

"در صورت پیشروی بیعفتی و بی حجابی و گسترش مظاهر فساد و تباهی از یک سو و چند صدایی و بلا تکلیفی مسئولین در چگونگی مواجهه با این مسئله و نداشتن برنامه ای کاربردی از سوی دیگر، نهایتاً تا نظام را مجبور به تسلیم و پذیرش شکست در این موضوع خواهد کرد که این امر دقیقاً هدف دشمن از همه به نظام است و قطعاً دشمن با همین روش، حذف دیگر قوانین اسلامی و بنیادی نظام را دنبال خواهد کرد و در صورت شکسته شدن قانون الهی و رسمی عفاف و حجاب، سایر قوانین اسلامی و اساسی کشور مورد حمله جدی قرار خواهد گرفت و شعارهایی مانند: نه به ازدواج قانونی، نه به ولایت فقیه و نه به هر امر قانونی دیگر به صورت جدیتر در دستور کار دشمنان قرار میگیرد". و چنین خواهد شد و تاریخ این روزها را ثبت خواهد کرد. نسلهای بعدی این جنایات و مضحکه های آن را در کتابهای درسی مطالعه خواهند کرد.

در ده ماه گذشته دیگر سخن از کنترل "شورشگران افراطی" و "اناراضیان" نیست. حتی تغییر رژیم و دست به دست شدن قدرت از دستی به دست عده ای دیگر هم دیگر روی میز کارشناسان پنتاگون و دولتهای اروپایی فعلاً در دستور نیست. حرف از شروع انقلابیست که بازیگران آن در صحنه بسیار پخته تر، آگاهتر و با ادعای از انقلاب ۵۷ ایران هستند. شاه و مهین و دین در سیستم کار آنها نیست یا بسیار کم رنگ و بیشتر جهت اطلاعات تاریخیست. هرچه هم آنها میکارند باز در هیچ کوی و برزنی سبز نمیشود. سیستم سه نسل ایران برای زندگی بهتر آزادی و برابری، معیشت و رفاه است، رهایی از قید و بندهای دینی و عرفیست. جنس شغل و رفاه و آزادی مدل پاکستان و بنگلادش و مصر

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

## طرح عفاف و حجاب در جا شگست خورده

است!

هاله تاهری

را نقض میکنند.

در مقدمه طرح یازده ماده ای آمده است که: "محیط اجرایی طرح جامع عفاف و حجاب در ابتدا در دستگاه‌های دولتی، وسایل نقلیه، فضای مجازی، لباس و پوشاک، مراکز آموزشی، اماکن تجاری، مراکز خدماتی، تفریحی، درمانی و ورزشی، محلات، معابر عمومی، خانه و خانواده و ... است". توجه کنید یعنی تمام شئون زندگی مردم با این طرح برای حمله به زنان پوشش داده شده است. مقدمه این طرح به پیشنهاد عده ای روانکاو و جامعه شناس اسلامی و اصلاح طلبان تحصیل کرده ملقمه ای از مدل بخشی از کشورهای اروپایی برای ترمیم و بازسازی سلامت بخشی از آن انسانها تنظیم شده که گویا به جای زندان و یا در مقابل آلترناتیو زندان رفتن در کنار مجموعه آموزشها و کمکهای فکری-روانی برای بازگشت آنها به جامعه بکاربرده میشود. تصور کنید در یک فضای جنگی و بشدت میلیتاریزه مانند ایران، با سیستمی که خشونت در آن نهادینه شده است میخواهند از یک مدلی استفاده کنند که متعلق به جوامعیست که بسیاری از نرملهای انسانی در آنها جا افتاده است و خشونت آخرین راه حل است. جمهوری اسلامی بدون خشونت یک ساعت هم سرپا باقی نمیماند. طرحی که ادعا میکنند "جنبه های آموزشی آن بر توییح و تنبیه ارجعیت دارد." آنقدر بی ربط به واقعیت ایران است که فقط اخبار روزانه در شهرها میتواند جواب این مسئله را بدهد. مانند گله های وحشی به شکار مردم رفتن، موی سر زنان را کشیدن، با جیغ و کتک و فحش به زنان حمله کردن، نگه داشتن مردم در یک مغازه به بهانه پلمپ و محبوس کردن آنها برای روزها کجا و راهکارهای اجتماعی جوامع پیشرفته کجا! وقتی که هیچ نشاطی برای جوانان نیست، وقتی که رژیم خود مسبب مستقیم و غیر مستقیم پخش مواد مخدر و قتل زنان و کودکان هستند، وقتی که عده ای را وادار به کنترل بر عده ای دیگر میکنند (در طرح کنترل خانواده و بازده منفی آن در ترویج زن کشی و قتلهای ناموسی که در دهه اخیر بسیار رشد کرده است) کجای چنین فضایی، محیطی و جوی میتواند برای جامعه آموزشی باشد؟ دختر جوان چهارده ساله ای در یکی از ویدیوهای خود رژیم در جواب به سوال اینکه او باید حجاب سرش بکند وگرنه خلاف قانون است میگوید. "چرا؟ چرا من؟ شما دوست دارید حجاب سرتان کنید. عقایدتان را چرا به زور به من میفروشید. موی سر من هیچ عیبی ندارد. شما اگر ناراضی هستید به موی سر من نگاه نکنید. این مشکل شماست. نه من. من جوانم. بیرون این مملکت همه جوانها آزادند. شما چرا برای من خط و نشان میکشید." این آن نسلیست که طرح حجاب و عفاف را روزانه به چلنج میکشد. آنها را تنبیه، اذیت و آزار، زندانی و جریمه میکنند جواب جوانان بی حجابی بیشتر، زیر پا گذاشتن بیشتر فرامین دینیست که امروز به نفرت عمومی همه اقشار هم تبدیل شده است.

رژیم همواره از اتحاد مردم و جنبش همگانی علیه خودش چوب تر خورده است. در این دوره بیشترین اتحاد میان زنان و مردان را ما شاهد بوده ایم. در جنبش حجاب سوزانی مردان در ملا عام زنان را تشویق و دور آنها حلقه زدند و جهان دید و به شعف آمد. دیگر آبرویی برای اراجیف اسلامی نگذاشت که گویا مردان خانواده مسئول کنترل اموالشان از جمله زنان و دختران هستند. اینجا برای اینکه فضای اتحاد

میان زنان و مردان و جنبشهای جاری را در هم شکند به مردم، به مردان، به پدران در خانواده رو میکنند و میپرسند که چرا بی تفاوت هستید. شما هم مسئولید. بنابراین در طرح عفاف و حجاب مردم را هم شریک جرم کرده اند. در طرح آمده است که "از آنجا که هر وقت مردم وارد صحنه شوند کار به خوبی سامان میگیرد، بار اصلی این طرح با ساماندهی، نقش آفرینی و اعطاء قدرتهای سازماندهی شده از طریق بدنه مردمی می باشد..." مالک خانه یا سرپرست خانواده که در قبایل مسائل اعضای خانواده و افرادی که در آن خانه رفت و آمد میکنند، مسئولیت دارد، مکلف به ادای مسئولیت نسبت به رعایت عفاف و حجاب افراد خانه نیز میباشد".

این طرح اصرار دارد که وانمود کند که "مسئله عفاف و حجاب یک مسئله شرعی است و با مسائل راهنمایی و رانندگی نباید مقایسه شود" اما بلافاصله به اهمیت جریمه های سنگین میپردازد. یاد حرف منصور حکمت افتادم که در مصاحبه ای بدرستی از صنعت دین سخن میگوید و داستان امروز این طرح چیزی بیش از منبع درآمدی دیگر از جیب خالی مردم نیست. دین در مدل طرح عفاف و حجاب همراه با شکنجه و زور و زندان نیز میتواند و دارد که به یک منبع درآمد بیلپاردی برای سپاه و حکومت شود. آری! دین فروختنیست و خریدار هم برایش میسازند.

در آخر این طرح آمده است که: "مسئله عفاف و حجاب، در شرایط کنونی کشور، زمینه بسیار آماده ای برای موج سواری سیاسی در انتخابات آینده و مشخص نمودن سرنوشت مجلس شورای اسلامی و دولت بعدی میباشد. لذا الزم است بدون فوت وقت تا فرصت باقی است، قبل از وجود هر مشکلی معضل عفاف و حجاب جامعه حل شود تا زمینه ای برای سپردن مسئولیتها به جریان غیر انقلابی نشود. در این قفره نیز مجلس شورای اسلامی و دولت نقش اصلی را باید ایفا کنند.

رژیم تلاش میکند که نقشه دراز مدت تر خود را تا انتخابات دور بعدی ادامه دهد و برای اجرای آن، آماده اصرار بر اجرای بدون چون و چرای این طرح دارد. اجرا شدن این طرح انگار مترادف با بقای جمهوری اسلامی تا انتخابات بعدیست. اما حقیقت این است که نه این طرح و نه دیگر خشونتها و جنایتهای دیگر نمیتوانند سد راه مردمی باشند که سفره نان خالی دارند، آزادی نفس کشیدن ندارند، با بخش وسیعی از جامعه زنان مانند برده و کنیز رفتار میشود، زندانهایشان از کنترل فعالین سیاسی خارج است و اعدام ها را چون تهدید بر بالای سر مردم نگه داشتند، پول و دستمزد کارگران را نمیدهند، صفهای هزاران نفره بیکاران را ول کرده اند، اعتیاد و آدم کشی و آدم ربایی و خشونت خانگی و بی حرمتی به هر انسانی چندین برابر از حتی چند سال گذشته شده است، آمار خودکشی، خودسوزی انسانها و آمار قتلهای ناموسی هر روز بالا میرود، خودفروشی و کودک فروشی، در کنار تجاوز به زنان و کودکان بیداد میکند. در مقابل پول شوری و انتقال پولهای بیلپوئی به بانکهای اروپای و دیگر جهان از جانب دم و دستگاه سپاه و خامنه ای ردیف شده است، ارتش رسماً وارد شهرها میشود برای مقابله با مردم، هر گونه جنبه ای، صدایی، حرکتی زیر کنترل است و جرم است و جزا دارد. و نهایتاً کارد به جان هر انسانی رسیده است. مردمف کارگران، زنان، جوانان، معلمان، بازنشستگان، بیکاران، خانواده های زندانیان سیاسی و جانباخته همه از رژیم نه تنها بیزار بلکه در تدارک براندازی آن هستند.

این آن تصویر جامعه ایران است. طرح حجاب و عفاف همین الان هم از طرف مردم رد شده است. اگر صد بار دیگر پلمپ مغازه ها و محیط کارها صورت بگیرد محال است حجاب بر سر زنان در ایران شود، محال است که عمامه ها محترم شمرده شوند، محال

## زنده باد شوراها!

### کمونیسیت هفتگی میپرسد؛

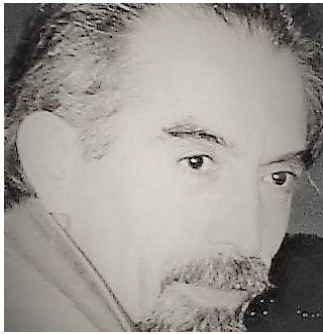
"زنده باد شوراها" از شعارهای شناخته شده جنبش کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری-حکمتیست است. حزب ایجاد شوراها را در این دوره، چه بعنوان ابزار مبارزاتی و چه بعنوان ارگان اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم زحمتکش گسترده تر تبلیغ میکند. چرا این شعار امروز بیش از هر دوره ای ضروری شده است؟ فراخوان و رهنمود حزب حکمتیست برای ایجاد شوراها چیست؟

سیاوش دانشور: تعلق به جنبش شورائی یکی از ویژگی ها و خصوصیات پایه ای و هویتی جنبش کمونیسم کارگری است که بسیار فراتر از حزب است. ما بعنوان کمونیست کارگری به سنت مبارزاتی شورائی در جنبش کارگری تعلق داریم. ما آن رگه ای در جنبش کارگری و کشمکش طبقاتی هستیم که بر اعمال اراده توده ای، بر سنت عمل مستقیم کارگری تاکید داریم. ما در مقابل دیگر سنت های مبارزاتی درون جنبش طبقه کارگر و الگوهای سازمانی مورد نظر آنها، در عین حال که از هر تلاش کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل از دولت حمایت میکنیم و تلاش میکنیم کارگران در اشکال مختلف قدرتمندتر و متشکل تر در مقابل کارفرمایان و سرمایه داران ظاهر شوند، بر عمل مستقیم کارگری و جنبش مجمع عمومی و ایجاد شوراها تاکید ویژه داریم. برای بسیاری از رگه های فکری در چپ و حتی گرایشات غیر سوسیالیستی در میان کارگران، شوراها ضرورتا نفی نمیشوند بلکه ادعا میشود که "شوراها مختص دوره انقلابی" است. ما به این نوع تقسیم بندی های کاذب قائل نیستیم. ما فکر نمی کنیم شورا ببرد دوره انقلابی میخورد و سندیکا برای دوره غیر انقلابی و معامله کارگر با کارفرما. این جدال گرایشات اجتماعی، جدال کمونیسم و ناسیونالیسم و رفرمیسم، جدال افق های متمایز طبقاتی در جامعه است که در جنبش کارگری نیز مابه ازای خود را دارند و بازتاب می یابند.

در دوره مورد اشاره شما بویژه قبل و بعد از رویدادهای دیماه، یک فراخوان ما ایجاد شوراها بوده است. شعار و خط تبلیغاتی ما این بوده؛

"همه جا شوراها را برپا کنید! شورا امروز بعنوان ارگان اعمال اراده مستقیم توده ای، ارگان مبارزه و قیام، و فردا بعنوان ارگان حاکمیت!"

مبارزه توده ای سازمانیافته نیازمند مکانیزمها و ارگانها و ابزارهای خود ویژه است. نه فقط باید بر سر هژمونی افق کمونیستی در مقیاس جامعه جنگید، نه فقط باید آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی را بعنوان یک انتخاب قدرتمند در مقیاس سراسری به صحنه آورد، نه فقط حزب کمونیستی از ضروریات غیر قابل بحث و حیاتی برای پیشروی و پیروزی جنبش کمونیستی طبقه کارگر و حتی نفس سرنوینی ارتجاع اسلامی است، بلکه نهادهای توده ای که بخشهای مختلف مردم کارگر و زحمتکش و اردوی چپ و آزادیخواه را در هر گوشه جامعه اعم از کارخانه و محله و شهر تا مقیاس منطقه و سراسری متحد و بجلو میراند، ضروری و مبرم هستند. ده سال پیش عده ای می گفتند جامعه تغییرات بزرگی را از سر گذرانده است، اشکال مبارزاتی تغییر یافته اند، تحولات تکنولوژیک



و ارتباطات موجب شده اند که اشکال "قدیم" دیگر کارساز نباشند. بحث "انقلاب تویتری و انقلاب فیس بوکی" - که عمدتا از کودتاها سازمان سیا تحت عنوان انقلاب مخملی استنتاج شده بود- تلاش داشت که همراه با برجسته کردن افق های راست و ضد کارگری، سنت های انقلابی و مبارزاتی کلاسیک را دفن کند. ضدیت با حزب و تشکل

را میان کارگران برده بودند و افراد و خودمحموری را تقدیس میکردند. بورژوازی در قلمرو اقتصاد پرچم فردیت و مالکیت خصوصی و سلطنت بازار آزاد را برافراشته بود و مثلا قرارداد دستجمعی کارگر با کارفرما را مغایر با "حقوق فردی کارگر" معنی میکرد. روشنفکران مرعوب دمکراسی و بازار نیز تقابل با حزب و تشکل و "قدیمی" بودن آنها را تبلیغ میکردند و همه را به دنیای انزوا و افراد در شبکه ها فرامیخواندند. تردیدی نیست که فاکتورهایی که روی شرایط مبارزه ما و طبقه ما تاثیر میگذارد را باید در نظر گرفت و بعنوان یک نیروی پیشرو و کمونیست که برای برپائی دنیائی متمایز تلاش میکند، مرتباً دستاوردهای جدید را در اشکال حضور سیاسی و مبارزاتی ترکیب و دخیل کرد. اما این بحث که طبقات و سنت های سیاسی و مبارزاتی و احزاب سیاسی حاصل از آنها یکباره دود میشوند و هوا میروند؛ و یا مثلا دوره احزاب سیاسی نموده است و قدیمی اند، دیگر زیاده روی های تسلیم طلبانه دست راستی و شبه آنارشیستی است که در دهه گذشته به وفور طرح شدند و بعد از دوره ای به حکم تحولات سیاسی و نیازهای واقعی و مادی مبارزاتی به فراموشی سپرده شدند.

شوراها ابزار و ظرفی هستند که میتوانند مردم معترض و سرنوینی طلب را متشکل کنند و بمیدان مبارزه برای سرنوینی جمهوری اسلامی بیاورند. شوراها ظرفی هستند که میتوانند درون صفوف مردم انقلابی وحدت عمل بوجود بیاورند و اتحاد ایجاد شده را تقویت کنند. شوراها ارگانی هستند که میتوانند متناسب با نیازهای مبارزه انقلابی سازمان دفاع از خود را در مقابل نیروی سرکوب و اوباش اسلامی ایجاد کنند. شوراها ظرفی هستند که بعد از هر تظاهرات و اعتراض عنصر "خودبخودی" را به عنصر مبارزه آگاهانه و هدفمند ارتقا می دهند. شوراها آن ابزاری هستند که قدرت جمعی را معنی میکنند و مادیت می بخشند و در مقابل قدرت ضد توده کارگر و مردم زحمتکش سنگری بنا می کنند. شوراها آن ارگانی هستند که میتوانند بندریچ خلاء قدرت ایجاد شده و ناشی از ضعف و فروپاشی حکومت را پُر کنند و در روندی به یک قدرت دوگانه شکل دهند. شوراها آن نهادی هستند که انواع ابتکارات انقلابی را در مبارزه توده ای در خود جا می دهند و رهبری و هدایت می کنند. شوراها قدرت توده ای، قدرت پائین را اعمال می کنند و فی النفسه ضد قدرت قاهره و ضد حاکمیت مشتئ اقلیت ناچیزند. شوراها در روند مبارزه برای سرنوینی ارگانهای بسیج و بمیدان کشیدن توده های وسیع تری به مبارزه اند، ارگان متحد کردن و متحد نگاه داشتن و ایجاد همبستگی وسیع طبقاتی اند. شوراها در سیر گسترش مبارزه توده ای به ارگان های قیام برای کسب قدرت بدل می شوند و در کنار دیگر ارکان ضروری سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی مانند حزب، یک رکن مهم قیام علیه حاکمیت منحوس بورژوازی اسلامی اند.

شوراها در محل کار و کارخانه ها ارگان تشکل توده ای کارگران، ارگان عقب راندن فعال مایشانی سرمایه داران، ارگان بیرون راندن و الغای نهادهای پلیسی و سرکوب بورژوازی، ارگان دخالت در امر تولید و قوانین و مقررات در کارخانه و ارگان کنترل کارگری اند. شوراها ارگان سازماندادن بریگاد کارگری برای دفاع از قدرت

## زنده باد شوراهای!

### کمونیست هفتگی میپرسد؛

کارگران اند. شوراهای سازمان کنترل بر تولید و توزیع نیازهای جامعه و پایه های اساسی قدرت حکومت کارگری اند. شوراهای ارگان اساسی حاکمیت طبقه کارگر، ارگان قدرت سوسیالیستی بعنوان نظم نوین کارگری اند. حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی حکومت حزب یا حکومت احزاب نیست، حکومت شوراهای است. شوراهای در فرای پیروزی کارگری بر بورژوازی سازمان حکومتی اداره جامعه اند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست با شعار؛ "همه جا شوراهای را برپا کنید" با اتکا به وجود عینی یک گرایش رادیکال درون طبقه کارگر و در جامعه، به آن سازمان ضروری مبارزاتی و بسیج کننده و متحد کننده شکل دهد که نیروی انقلابی و کارگری را در مقیاس وسیع به صحنه آورد و در صحنه نگاهدارد. اپوزیسیون بورژوائی تلاش میکند قدرت را با بند و بست دست بدست کند، اساس ماشین دولتی بورژوائی را نگاهدارد و در فرای سرنوینی علیه طبقه کارگر و اردوی انقلابی بکار گیرد. ما بعنوان کمونیست کارگری و فعالین جنبش شورائی میخواهیم از حاکمیت و سلطه سیاسی و اقتصادی بورژوازی خلع ید کنیم و قدرتی آلترناتیو را جایگزین کنیم. از نظر عملی در دوره انقلابی نسخه واحد و تدریجی و قدم بقدمی نمی تون طرح کرد. باید مطابق الزامات مبارزه طبقاتی و تناسب قوا پیش رفت. گاهی سرعت و شتاب اوضاع و تغییر تناسب قوا هر نسخه تدریجی و قدم بقدم از پیشی را بی خاصیت میکند. اصل اینست که باید نهادهای مبارزاتی متناسب با اوضاع امروز را ایجاد کرد. نهادها و ارگان هایی که از سنت عمل مستقیم و رادیکال کارگری سر بر می کنند و توانائی و قابلیت و ظرفیت آنها دارند که در مقیاس جامعه عمل رادیکال مبارزاتی را سازمان و جهت دهند.

کارگران کمونیست و سوسیالیست و فعالین و رهبران عملی کارگران باید دست بکار شوند. باید از فرصت سوزی اجتناب کرد و مضمون و سنت مبارزاتی را چسبید. باید برای همه نوع ابتکار در قالب سنت شورائی منعطف بود و جا باز گذاشت. باید پتانسیل مبارزاتی کنونی را آگاهانه و با توجه به کمبودهای سازمانگرانه خیزشهای توده ای اخیر، به قالب شوراهای انقلابی و ارگان های دفاع از خود و کنترل مستقیم توده ای برد. باید حضور و وجود شوراهای را با شعارها و تاکتیک های انقلابی و مبارزاتی عملا نشان داد و الگوهای شوراهای را در قلمروهای مختلف تکثیر و همگانی کرد.

شوراهای باید به صف نه قاطع به کلیت جمهوری اسلامی، صف انقلابیون و آزادیخواهان در مقابل صف ارتجاع بورژوائی و گذشته پرستی بدل شود. فراخوان ما اینست که سنت مبارزه شورائی را در محل کار و زیست تحکیم و برای ایجاد شوراهای دست بکار شویم. زنده باد اعمال قدرت و اعمال اراده مستقیم و مستمر کارگری و توده ای! زنده باد شوراهای!

\*\*\*

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### در کردستان

### در مورد جنایات تروریستی اخیر سلفی ها در کردستان

همزمان با موج دستگیریهای اخیر و به قتل رساندن دستگیر شده گان زیر شکنجه و صدور احکام سنگین علیه زندانیان و ترور مخالفین جمهوری اسلامی در کردستان عراق، جریان مرتجع سلفی نیز در روزهای اخیر در شهرهای سنندج و سقز با خلق جنایاتی تروریستی به منظور تشدید فضای رعب و وحشت و تقلیل فضای اعتراضی جامعه کردستان به کمک جمهوری اسلامی شتافته است.

این تروریست های سفارشی رژیم اسلامی روز پنجشنبه ۲۹ تیر با حمله به منزل شخصی کریم قوامی یکی از هنرمندان شهر سنندج، وی را به قتل رسانده و یکی دیگر از اعضای خانواده نامبرده را مجروح کرده اند. همچنین روز ۴ خرداد در شهر سقز جوان دیگری به نام فاروق رشیدی را به قتل رساندند.

سابقه قمه کشی و ایجاد فضای رعب و وحشت و ترور این باند جنایتکار در کردستان، آنان را بعنوان یکی از حامیان جمهوری اسلامی، به خطری در مقابل مبارزات و اعتراضات آزادیخواهانه و سکولار جامعه کردستان تبدیل کرده است.

در حالیکه روزانه مبارزات تعطیل ناپذیر کارگران و بازنشستگان و فرهنگیان و... در جریان است و مبارزات شکوهمند روزانه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب علیه پوشش اجباری و کلیت رژیم اسلامی می رود تا این رژیم سرکوبگر را به زباله دان تاریخ بیندازد، جانین سلفی دست به این جنایات زده اند اما در سالهای گذشته در شهرهای کردستان، از جمله در شهرهای سنندج و مریوان، زنان جسور و دیگر مردم انقلابی با تعرض متقابل به این حافظان جهل و خرافه، آنان را مجبور به عقب نشینی کردند.

مردم مبارز کردستان!

زنان و مردان انقلابی!

بار دیگر متحد و یکپارچه بر علیه اعمال و جنایات این جریان ارتجاعی و قرون وسطایی بپا خیزید و توطئه های این باند جنایتکار را خنثی کنید.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، ضمن تسلیت به خانواده و بستگان و دوستان کریم قوامی و فاروق رشیدی، خود را در غم و اندوه آنها شریک می داند و افشا و رسوا کردن و رویارویی با ارتجاع سلفی در کردستان را بعنوان یکی از وظایف مهم خود بشمار می آورد و تمامی انسان ها، تشکل های انسان دوست و سکولار و احزاب سیاسی را فرامی خوانیم علیه موج ترور این جریان سیاه در کردستان به اقدامات لازم و عملی دست بزنند.

زنده باد آزادی، برابری، حاکمیت شورایی

مرگ بر جمهوری اسلامی

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۵ مرداد ۱۴۰۲

۲۷ جولای ۲۰۲۳

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**



های اجتماعی شایعه صحبت از نقشه رژیم برای دزدیدن و مخفیانه خاک کردن پیکر مهسا امینی را داشت.

در اطلاعیه ای که به امضای والدین مهسا رسیده بود روز ۲۶ شهریور برابر با ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲ اعلام کردند که پیکر مهسا در آرمستان آچی به خاک سپرده می شود. راههای ورودی به شهر سقز از طرف نیروهای انتظامی بسته شد.

بامداد ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ درحالیکه چشم های مردم انقلابی در همه جا به آرمستان آچی دوخته بود، علیرغم تلاش رژیم برای دفن مخفیانه پیکر مهسا که با مقاومت خانواده ی او روبرو شد، اجتماع بزرگی منتظر ورود آمبولانس حامل مهسا امینی بود. هنگام خاکسپاری زنان با پرتاب حجاب ها و شعارها نفرت خود را از نشان دادن. یک نفر در میان جمعیت فریاد زد: «زن، زندگی، آزادی» اکوی این فریاد در تمام ایران و جهان شنیده شد.

در عصر همان روز در سقز زنان و مردان به خیابان آمدند و با شعار و پرت کردن حجاب چشم انداز گسترش اعتراضات را نشان دادند. در سنج و دیگر شهرهای کردستان یکی بعد از دیگری، همان روز اعتراضات وسیع و خونینی پای گرفت. ابراهیم رئیسی جنایتکار با دغکاری تلفنی با خانواده مهسا امینی تماس گرفت و ضمن تسلیت دعوت به آرامش نمود. در ایران آتش بپا شد.

حجاب سوزان آغاز شده بود. حجابی که در ۴۴ سال گذشته به مانند طوق لعنت بر سر و گردن زنان سنگین می کرد، در خیابان ها و میادین طعمه ی آتش خشم جوانان شد. جوانانی که با رقص و پایکوبی این سمبل حقارت و آپارتاید جنسی و اسلام سیاسی را برای آزادی و برابری و رهایی می سوزانند تا از خاکسترهای آن دنیایی نو برپا کنند.

در عصر ۲۶ شهریور اجتماع وسیعی در میدان آزادی با شعار مرگ بر دیکتاتور تشکیل شد. از مشهد بعنوان یکی از مراکز اعتراضات نام برده شد. در بلوار کشاورز زنان وسیعی جمع شدند و حجاب ها را به آتش کشیدند.

در ۲۷ شهریور دانشجویان هنرهای زیبا دانشگاه تهران در محوطه دانشگاه تحصن میکنند و برای اولین بار شعار «ژینا جان تو هرگز نمی میری، نامت رمز انقلاب می شود به میدان آمدند. شعار زن، زندگی، آزادی درکنار شعار، «کردستان چشم و چراغ ایران»، در سراسر کشور شنیده می شود. به نظر می رسد علیرغم گذشت ۴۴ سال از به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در ایران، دردهنیت کلکتیو نسل جوانی که امروز در خیابانهاست خاطره مقاومت انقلابیون و کمونیست ها در کردستان هنوز زنده است. رژیم اینترنت را در ایران محدود کرد. مردم برای دستیابی به اینترنت سریع و مطمئن به بیرون از ایران روی آوردند.

در ۲۸ شهریور اعتراضات دیواندره با شعار زنده باد سوسیالیسم، زنده باد کاک فواد مورد حمله قرار گرفت و دو نفر جانباختند. از سنج و مهاباد شعار زنده باد سوسیالیسم بگوش می رسد. خیابانهای شهرهای مهاباد و سنج بعد از تاریک شدن عمدتا در تصرف انقلابیون است.

یورش به خانه فعالین سیاسی و کارگری برای دستگیر آنها گسترش می یابد. در ۲۹ شهریور نیکا شاکرمی، ۱۶ ساله بعد از حجاب سوزان مورد تعقیب ماموران قرار می گیرد در خیابان کشاورز دستگیر و ده روز بعد جنازه او در کهریزک درحالیکه شکنجه شده بود تحویل

## چه کسی گفت: انقلابی که میشود، میتواند

### خیلی زنانه باشد؟

بازنگری یک انقلاب تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش سوم: زن، زندگی، آزادی

پروین کابلی

«هیچکس به شما هشدار نداده بود زنانی که پای دوییدنشان را بریده اند دخترانی بدنیای می آوردند که بال پرواز دارند.» ایچیوما اومیبو»

انتقال مهسا امینی به بیمارستان کسری بلافاصله در شبکه های اجتماعی پخش شد. خانواده مهسا در بیمارستان حاضر شدند. فعالین اجتماعی در تهران مردم را به تجمع در مقابل بیمارستان کسری فراخواندند. نیروهای گشت و پلیس درب ورودی بیمارستان و خیابان های اطراف را بلوکه کردند. تصویر هوایی و عکس های منتشر شده از درگیری در مقابل بیمارستان کسری خبر می داد. کسی غیر از خانواده مهسا امینی اجازه ورود به بیمارستان را نیافته بود.

مقابل بیمارستان کسری، سپاه و پلیس تهران تلاش نمودند که جو عمومی را کنترل کنند. در اطلاعیه پلیس تهران آمده بود که «خانمی برای توجیه و آموزش «به یکی از بخش های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که «ناگهان» در جمع سایر افراد هدایت شده، «به طور ناگهانی» دچار عارضه قلبی شد. «در روزهای بعد چند نفر از بازداشت شدگان که همراه مهسا به پلیس امنیت خیابان وزرا منتقل شده بودند شهادت دادند که مهسا از سردرد شکایت کرده و تنها وقتی به او توجه شده است که او روی زمین بیهوش افتاد. نیروی انتظامی، «بدرفتاری»، با مهسا را تبلیغات گروه های معاند خوانند و مردم از سناریوهای تکرار رژیم صحبت کردند.

اولین عکس از روی تخت بیمارستان توسط نیلوفر حامدی خبرنگار روزنامه شرق منتشر گردید. عکس مهسا رو تخت بیمارستان با دستگاه تنفس مصنوعی بدون اغراق در عرض چندین ساعت میلیون بار پخش و تکثیر شد. هشتگ مهسا امینی در همه جا روی شبکه های اجتماعی، سازمان های زنان و غیره بچشم می خورد.

سناریو های مختلف پرونده های پزشکی یکی بعد از دیگری رو شدند. اما؟

در تاریخ خواهند نوشت: «۲۵ شهریور ۱۴۰۱ برابر با ۱۶ سپتامبر، دختری بنام مهسا امینی که تا سه روز قبل از حادثه فقط افراد معدودی او را می شناختند در سفر به تهران بوسیله گشت ارشاد دستگیر و مورد خشونت قرار گرفته بود و دچار ضربه مغزی شد و به بیمارستان کسری تهران انتقال یافت. سه روز بعد، در حالیکه مردم معترض و فعالین سیاسی در اطراف بیمارستان اجتماع کرده بودند جانباخت. با مرگ مهسا امینی انقلاب ۱۴۰۱ آغاز شد.»

بعد از پخش خبر جانباختن مهسا فقط چند ثانیه طول کشید که ما که در شبکه های اجتماعی این حادثه را دنبال میکردیم خبر را دریافت کردیم.

۱۶ سپتامبر برابر ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ در یک پست اینستاگرامی با هشتگ مهسا امینی نوشتیم: «سالها هست باد می کارید. توفان در راه است» پیکر مهسا امینی با فشار و جدل بسیار و ترس از ربودن آن از بیمارستان کسری به طرف سقز حرکت داده شد. خبرهای رو شبکه



عرض ۲۴ ساعت این ترانه در صفحه اینستاگرام ۴۰ میلیون دیدار داشت. رژیم شروین را دستگیر و صفحه اینستاگرام او بسته شد. اما این ترانه دور اول اعتراضات به نماد این اعتراضات تبدیل شد.

اما ۸ مهر واقعه‌ی بسیار خونین را پیش روی خود داشت. اعتراضات عمومی مردم در زاهدان به علت تجاوز به دختر ۱۵ ساله از طرف فرماندار انتظامی چاه بهار از کشته شدن بیش از ۵۰ نفر خبر داد. دو روز بعد یعنی در ۱۱ مهر آمار کشته شدگان به بیش از ۶۰ نفر می‌رسد. درخاش هم چند نفر به دست نیروهای دولتی کشته شدند. مولوی عبدالحمید تلاش می‌کند که رهبری این اعتراضات را در مخالفت با جمهوری اسلامی بدست بگیرد و در دوره ای موفق می‌شود. سیستان و بلوچستان در وضعیت فوق العاده قرار دارد.

در نهم مهر در اعتراضات سراسری خدانور لجه ای مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و زخمی می‌شود. اما در بیمارستان از درمان او امتناع می‌شود. نیروهای دولتی دستهای او را در همانجا به تیر چراغ برق بستند و یک شیشه آب دور از دسترس او در مقابلش قرار دادند. خدانور لجه ای کارگر گچ کار که زندگی چند نفر از جمله مادرش را تامین می‌کرد ساعتها در مقابل چشمان نیروهای نظامی زجر کشید و جان باخت. عکس‌های بسته شدن خدانور لجه ای به تیر چراغ برق در سراسر دنیا به نوع قساوت و بیرحمی جنایتکاران جمهوری اسلامی منتشر شد. در ایران و سراسر دنیا «پرفورمنس‌های «اعتراضی او جهان را به لرزه در آورد.

در ۲۳ سپتامبر حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در اطلاعیه با عنوان «ایران در آستانه‌ی انقلاب و دوران ساز یک تحول» مینویسند:

«طوفان سیاسی قدرتمندی در ایران راه افتاده است. تحلی بزرگ و بیسابقه و دوران ساز با پتانسیل یک انقلاب عظیم اجتماعی. اینروزها در ایران تاریخی نوین ساخته میشود که با کل تاریخ یک قرن گذشته متمایز است. زنان در ایران یک آکتور مهم و پیشتاز این تحول انقلابی و دوران سازند» تاکیدات از من است).

چه کسی گفت که: انقلاب آینده ایران رنگ و بوی زنانه خواهد داشت؟

اجتماع و صحنه‌ها و محل تظاهرات‌ها با خیزش دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ فرقی اساسی داد. این انقلاب با چهره‌ای زنانه خود را نشان می‌دهد. انقلابیون این بار در محلات و میدانهای مختلف شهر اجتماعات خود را برپا می‌کنند. از ویژگیهای این دور از اعتراض تاکتیک این دوره محله محوری و سراسری بودن و زنانه بودن آنست. زنان عنصر اصلی و پیشتاز این اجتماعات هستند. از شهرهای مختلف خبر از تشکیلات کمیته‌های محلات داده می‌شود. کمیته‌هایی که مسئولیت خبررسانی، سازماندهی اعتراضات، ایجاد بیمارستانهای مخفی برای کمک به مجرمین و مخفی نمودن آنها، تامین مواد غذایی به عهده می‌گیرند. نقش زنان و دختران جوان در همه‌ی اعتراضات چشمگیر است.

در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ حدیث نجفی درارم شهر کرج مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و دو روز بعد در بیمارستان جانسپرد. حدیث که در یک کافه شاپ کار می‌کرد از چهره‌های محبوب اطرافیان و محل کارش بود. فیلمهای منتشر شده از شرکت حدیث در این اعتراض نشان میدهد که چگونه حدیث برای به میدان آمدن با بستن موهایش از پشت خود را آماده می‌کند. جنازه او به خانواده او که بشدت تحت فشار رژیم بودند تحویل داده نشد. حدیث اول مهر مخفیانه با حضور نیروهای امنیتی به خاک سپرده شد. خبر کشته شدن حدیث نجفی در میان جوانان معترض رژیم را به تکاپو می‌اندازد و شایع می‌کنند که خانواده حدیث از نزدیکان رژیم هستند و کشتن

صفحه ۱۰

## چه کسی گفت: انقلابی که میشود، میتواند

### خیلی زنانه باشد؟

بازنگری یک انقلاب تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش سوم: زن، زندگی، آزادی

#### پروین کابلی

خانواده اش داده شد.

در همین روز یعنی ۲۹ شهریور مینومجیدی زنی که صاحب چند فرزند است در کرمانشاه کشته می‌شود. دختر او حجاب از سر برداشت و موی خود را تراشید.

در کنار آتش زدن حجاب اسلامی ترند دیگری هم پدیدار گردید. زنانی که به اعتراض موهایشان را چیچی می‌کردند و یا درست بگویم می‌بریدند.

(بریدن مو در هنگام عزا بویژه عزای جوان از دست رفته را در سالهای کودکی شنیده بودم اما بعنوان اعتراض در هیچ جنبش دیگری سراغ نداشته و نتوانسته ام منبع دقیق تری را برای آن پیدا کنم.) (توضیح من)

رژیم شهریور را با هراس پشت سر می‌گذارد. ماه مهر با باز شدن مدارس و دانشگاه باید منتظر سناریوهای دیگری از اعتراض باشد. آمار جانباختگان و زخمی‌های اعتراض بالا می‌رود.

طبق آمار ویکیپدیا «از ۲۶ تا ۲۰ دی ۱۴۰۱، بیش از ۵۲۰ نفر از جمله ۷۴ کودک کشته شدند. بیشترین تعداد کشته شده‌ها در استانهای سیستان و بلوچستان، مازندران، کردستان، گیلان و آذربایجان غربی بوده است. از نظر زمانی نیز به ترتیب روزهای ۳۰ شهریور و هشتم مهر تعداد کشته بیش تر از روزهای دیگر بوده است.» (تاکیدات از من است)

توجه داشته باشیم که شهرهایی چون مهاباد، سردهشت، بوکان، بیرانشهر که کردنشین هستند در تقسیمات کشوری جزو آذربایجان غربی محسوب می‌شوند.

شب ۳۰ شهریور سیاوش محمودی در محله نازی آباد در جنوب تهران جزو کشته شدگان است.

لیلی مهدوی، مادر سیاوش محمودی با دردست گرفتن عکس از فرزندش در خیابان فریاد می‌زند.

« شما ها که از تار موی زنی دین تان می‌لغزد، پس بترسید از روزی که زنان این سرزمین آماده رزم می‌شوند. »

در اول مهر فریدون احمدی از خانواده‌ای زحمتکش در سفر جان باخت. در مراسم خاکسپاری او پدرش رو به مردم ایران گفت «از مردم ایران می‌خواهم پیشقدم شوند. همراه فرزندانمان باشیم. این کار باید بشود. تمام شود. ما نباید درخانه‌ها بخوابیم. این کهنه باید برافکنده شود. کهنه پرستی باید تمام شود.»

در ششم مهر ۱۴۰۱ شروین حاجی پور آهنگ «برای» را منتشر میکند. شروین شعر ترانه از توتیت‌های مردم ساخته بود. در

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

رژیم بی محابا دست به کشتار می زند. شوری انقلابی در فضای ایران موج می زند. هر چه که میگذرد تعداد جانباختگان بیشتر می شود. هر کسی که کشته می شود در خود یک اسطوره، یک جوان مدرن امروزی، یک شاعر، بلاگر، شاعر و متفکر و سخنگو است. نامها ردیف می شوند. سارینا، آرمین، عزیز، شکراله، محمد رضا، نگین، میلاد، مهرزاد ..... بیش از ۱۵۰۰ نفر به گفته سازمانهای بین المللی. ولی کسی بدرستی نمی داند. دستگیری های وسیع چه در خیابانها و در منازل مردم انجام می شود.

مادر و پدران جانباختگان در خیابانها و بر مزار فرزندان به سخنرانان پرشور انقلاب تبدیل می شوند. در بوکان سخنرانی پدر محمد حسن زاده روشن هنگام خاکسپاری فرزندش نفسها را در سینه حبس می کند. از شجاعت و شهامت زنان می گوید. در مهاباد پدر یکی از جانباختگان مردم را به سوسیالیسم و برپایی دنیای نو فرامی خواند.

کامیلیا سجادیان مادر محمد حسن ترکمان با گذاشتن عکسی از فرزندش و یک جفت کفش نوشت «یکبار کفش های خود را به جوانی نیازمند داده بود و بدون کفش، پیاده به خانه برگشته بود»

مادر ستار بهشتی به مردم پیام می دهد.

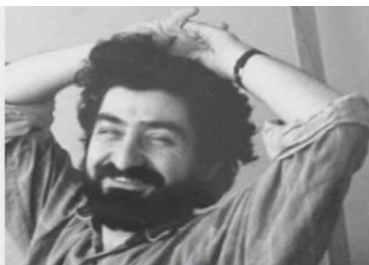
در ۱۸ آبان در جام جهانی فوتبال در قطر ایران از کشور "شیطان بزرگ" آمریکا یک بر صفر حذف می شود. سراسر ایران را فضای شادی و بوق ماشین ها و رقص در میدانها را برمی دارد.

در کجای دنیا ملتی تیم ملیشان شکست می خورد و جشن می گیرند. آنجا ایران است.

«مسأله بعدی زنان هستند. نصف جامعه است و نه فقط زنان نصف جامعه هستند، بلکه از نصف دیگر جامعه هم بخش زیادشان طرفدار برابری است. در نتیجه یک پلاتفرم مهم کمونیستها که ممکن است مردم با آن بیابند مسأله زن است. چون انقلابی که میشود، میتواند خیلی زنانه باشد.»

(منصور حکمت سخنرانی انجمن مارکس تحت عنوان آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است؟)

ادامه دارد.



اسلام و اسلام زدایی  
منصور حکمت  
ژانویه ۱۹۹۹

فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبیش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

## چه کسی گفت: انقلابی که میشود، میتواند خیلی زنانه باشد؟

بازنگری یک انقلاب تابستان ۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۲

بخش سوم: زن، زندگی، آزادی

پروین کابلی

حدیث به هدف انتقام از رژیم توسط معترضین صورت گرفته است. مادر حدیث شجاعانه این خزعبلات رژیم را در پیمایی تصویری رد می کنند و آنرا سنایوری ساختگی می نامد. نام حدیث در کنار مهسا امینی بعنوان سمبل آزادی و برابری در بیشتر رسانه های خارج از ایران برده شد و وسیعا هشتگ حدیث نجفی در شبکه های اجتماعی پخش گردید.

جمهوری اسلامی که در طول عمر ننگینش به تناوب به احزاب اپوزیسیون در خاک ایران حمله کرده است در ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲ برابر با ۶ مهر ۱۴۰۱ به پایگاه های اپوزیسیون در خاک عراق حمله می کند و تعدادی کشته و زخمی میشوند. در این حمله هوایی ریحان کنعانی زن جوانی که هفته های آخربرداری خود را بسر می برد کشته شد. پزشکان موفق شدند که فرزند او را زنده بدنیا بیاورند. ولی نوزاد هم چند روز بعد درگذشت.

دستگیری ها وسیع، مرگ و خودکشی های مرموز، به بخشی از اتفاقات مرموز روز مره تبدیل می شود. مریم آروین، یلدا آقا فضلی، مینا یعقوبی، عرشیا امام قلی زاده، عباس منصور، هستی حسین پناهی، همگی از بازداشت شدگانی بودند که بعد از آزادی چند روز بعد خودکشی کردند.

نسرین قادری دانشجوی دکترای فلسفه در دانشگاه طباطبائی و فعال حقوق زنان، اهل مریوان که در تهران در فاز چهارم شهرک اندیشه زندگی می کرد، در اعتراضات ۹۸ دستگیر شده بود در ۱۳ آبان بر اثر ضربه با تم به سرش دچار خونریزی شد. دو روایت از چگونگی جانباختن او وجود دارد. روایت اول اینست که در بیمارستان جانباخت و روایت دوم خودکشی است که روایت جمهوری اسلامی است. خانواده او که چند روزی از او بی خبر بودند بعد از مراجعه به آپارتمان با پیکر بیجان او روبرو می شوند. خبر جانباختن نسرین قادری شهر مریوان را به حرکت در آورد و یگان ویژه به مریوان ارسال شد. مردم در کنار خانه پدری نسرین اجتماع کردند و شبانه با حضور در خیابانهای اطراف با روشن کردن آتش ماندند. مردم نگران ربودن جسد نسرین بودند. در ۱۵ آبان، مردم در اعتراض به کشته شدن نسرین قادری مغازه را بستند و علیه رژیم به اعتراض پرداختند. این اعتراضات در چند دقیقه به تمام خیابانهای شهر سرایت کرد. مردم به دفتر شیوا قاسمی پور نماینده مجلس بدلیل همکاری و عضویت در سپاه پاسداران حمله کردند. بیش از ۳۵ نفر زخمی و تعدادی جانباختند. آگهی خاکسپاری نسرین قادری با این جمله به زبان کردی تزیین شده بود. «آزادی از قفس پرید.»

دانشگاه ها هر روز مقاومت بیشتری در مقابل نیروی سرکوبگر دانشگاه نشان می دهند و به شکستن قوانین آپارتاید جنسی می پردازند. شبانه یکبار صد ها موتورسوار پسر و دختر در خیابانها با شعارهای انقلابی رژه می روند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!



کاراکنتر را حفظ کرده است. پیشکسوتی زنان و دختران خلاف جریان با پرچم مبارزه علیه حجاب و شنونات اسلامی خصلت رادیکال و بسیار مهم این خیزش است که با مقاطع قبلی خروش انقلابی تمایز اساسی پیدا کرده است. تقابل شفاف با مذهب و اسلام می‌رود به یک رنسانس ضد مذهبی عظیم نه تنها در ایران و در صورت پیروزی در سطح منطقه و کشورهای اسلام زده تبدیل شود. پس زدن

و به حاشیه راندن دسته بندیهای ملی و ناسیونالیستی و محلی بسیار مهم است. اتفاقاً شعار "زن، زندگی، آزادی" یک جنبه مثبتش این بود، اجازه نداد شعارهای ناسیونالیستی و محلی را به آن و به فضای سیاسی و انقلابی جامعه آویزان کنند. از مختصات برجسته و خیره کننده شکفتن خلاقیت‌های مبارزاتی چه در قالب شعارها و خواسته‌ها و چه در تاکتیک‌ها و اقدامات متنوع مبارزاتی و به دست دادن ابتکارات قابل تحسین فعالین و پیشروان مبارزات این دوره است. خیزش انقلابی ایندوره در ابعاد اجتماعی ایده انقلاب و انقلابیگری و ابتکارات انقلابی را به کوی و برزن و محله و مراکز کار و به شهر و دانشگاه و مدارس و به درون منازل و خانواده‌ها کشاند. درسهای انقلابی در فرصت چند ماهه در سطح اجتماعی و توده‌ای بکارگرفته شد و انقلابیگری در سنت رادیکال مبارزاتی جایگاه محکمتری پیدا کرده است. شاخه‌های مختلف بورژوازی مرتجع که قبل از قتل مهسا و خیزش شهریور و مهر ۱۴۰۱ انقلاب و ایده انقلابی را به تمسخر می‌گرفتند، این بار ریاکارانه به ستایش انقلاب آمدند و البته ریاکاریشان طولی نکشید و رنگ باخت. جریانات راست بازنده مهم این دوره اند. این پدیده و ناکامی پروژه همه باهمی بی پایه از دستاوردهای مهم خیزش انقلابی یکساله اخیر است. در ادامه به آن می‌پردازیم.

بر اساس دستاوردهای مورد اشاره بالا، با تاکید میتوان گفت، خیزش انقلابی نزدیک به یکساله اخیر کاراکنتری رادیکال و چپ گرایانه داشت. در این چهارچوب برجسته شدن دو منشور سیاسی چپ و رادیکال، اولی "منشور مطالبات حداقلی ۲۰ نهاد و تشکل" و دیگری "منشور آزادی، رفاه، برابری" و فعالیتهایی که در داخل و خارج حول آنها صورت گرفت، گوشه‌ای از پیشروی چپ در مقابل جریانات راست بود.

به طور خلاصه و در یک نتیجه‌گیری عمومی افق و سیاست و پراتیک رادیکال و چپ موقعیت مساعدتری را در خیزش انقلابی اخیر به دست آورد. تناسب قوا به نفع خیزش انقلابی و قطب چپ در درون این جنبش چرخید. درست برعکس شکست و ناکامی قطب راست، اکنون قطب چپ در موقعیت مساعدتری در جهت تداوم کشمکش طبقاتی و سیاسی قرار گرفته است. در عین حال شما به درست از موانع و محدودیتهای موجود در خیزش انقلابی می‌پرسید، طبعاً با فرض گرفتن سرکوبگری خشن رژیم هاراسلامی که نزدیک به سی هزار زندانی و بازداشت شده و حدود هزار نفر جانباخته و هزاران نفر صدمه دیده جسمی و روحی به جنبش ما تحمیل کرده به عنوان اولین و مهمترین مانع عمل کرده، بگذریم. آنوقت با چشمان باز باید محدودیتهای واقعی موجود در خیزش انقلابی را دید. من اساس این محدودیتهای واقعی موجود در خیزش انقلابی را تفکیک ناپذیر می‌بینم. سازمان و رهبری! اینها دو فاکتور مهم و تعیین کننده و پر کردن این دو خلاء در تضمین به پیروزی رساندن خیزش انقلابی و تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نقش اساسی ایفا خواهند کرد.

**رضا کمانگر:** ارزیابی‌های هست که از شکست خیزش انقلابی یکسال گذشته صحبت میکنند، می‌گویند جمهوری اسلامی اوضاع را کنترل کرد؟ شما چه فکر میکنید؟

**رحمان حسین زاده:** جریانات و کسانی که چنین ارزیابی دارند، خود را شکست خورده میدانند و یا شکست طلبند. باید دید که

## سالگرد خیزش انقلابی! آیا امکان برآمد توده‌ای دیگری هست؟

گفتگو با رحمان حسین زاده

**رضا کمانگر:** کمتر از دوماه به قتل دولتی مهسا امینی (ژینا) و آغاز خیزش انقلابی سراسری مردم ایران مانده است. به نظرت چرا قتل مهسای جوان به این انفجار بزرگ اجتماعی تبدیل شد. ماهیت و کاراکنتر این خروش انقلابی را چگونه می‌بینید؟

**رحمان حسین زاده:** در شروع صحبت مان بگذار گرامی بداریم، یاد ژینا امینی، مهسای جوان و همه جانباختگان خیزش انقلابی یکساله اخیر که با از دست دادن جان عزیزشان، جان تازه‌ای به خروش انقلابی و جنبش سرنگونی مردم ایران بخشیدند. جامعه‌ی سالها در نبرد با جمهوری اسلامی منتظر انفجار اجتماعی و انقلابی بود. جامعه‌ای که تجارب دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و چندین بار اعتصاب گسترده و برجسته و مستمر کارگران هفت تپه و هزاران اعتصابات کارگری دیگر و مبارزه دایمی زنان علیه حجاب را پشت سر گذاشته بود، جامعه‌ای که متکی به ابتکارات مبارزاتی و متشکل چند ساله فرهنگیان و معلمان و بازنشستگان و بخشهای معترض علیه فقر و گرانی و برای تامین معیشت بود، با قتل دولتی و جنایتکارانه مهسا خشم و انزجار و تحریک انقلابی اش سرریز شد. ۲۵ شهریور سال گذشته سرآغاز خیزش انقلابی سراسری شد که با پیشکسوتی زنان و دختران و نسل جوان، توده مردم جان به لب رسیده را با خواست بی‌اما و اگر سرنگونی به میدان کشید.

در مورد ماهیت و کاراکنتر خروش انقلابی عروج کرده شهریورماه سال قبل می‌خواهم تاکید کنم، در وهله اول باردیگر شاهد عروج مجدد جنبش سرنگونی بزرگ متکی به تجارب مبارزات دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و دستاوردهای جنبش وسیع اعتصابات کارگری و زنجیره تجمعات اعتراضی فرهنگیان و معلمان و بازنشستگان و مبارزه فردی و جمعی مداوم زنان علیه حجاب و تحریک مبارزاتی دانشجویان و نسل جوان روبرو بودیم. عروج دوباره جنبش سرنگونی ادامه ساده دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ نبود، این بار تکامل یافته‌تر و ارتقاء یافته‌تر از قبل بود. از جمله اینبار در ابعاد بسیار گسترده‌تر و تقریباً تماماً سراسری، عمده شهرهای کشور را پوشاند. به دلیل حضور موثر، زنان و دختران و نسل جوان خلاف جریان و قطب چپ رادیکال، خصلتها و المتهای انقلابی و رادیکال در جنبش یکساله اخیر بسیار برجسته‌تر از دفعه‌های قبل به صحنه آمد. به این دلایل نه فقط شاهد جنبش سرنگونی عظیم، بلکه همزمان خیزش انقلابی بزرگی را تجربه کردیم. البته به دلایل محدودیتهای مشخصی که در این خیزش انقلابی وجود دارد، هنوز با قطعیت نمیتوان به عنوان انقلاب مورد نظر کارگران و ما کمونیستها و آزادیخواهان و برابری طلبان از آن نام برد. در عین حال تاکید میکنم در بطن شرایط انقلابی به وجود آمده و خصلتهای رادیکال و چپ خروش انقلابی موقعیت بسیار مساعدی برای تحول این خیزش انقلابی به انقلاب مورد نظر کارگران فراهم شده است.

**رضا کمانگر:** در نگاهی مجدد دستاوردها و حتی کمبودها و محدودیتهای این تحول انقلابی را چگونه ارزیابی میکنید؟

**رحمان حسین زاده:** در همان اوایل خروش انقلابی فکر میکنم در مصاحبه‌های دیگری در مورد مختصات مهم و دستاوردهای خیزش انقلابی این دوره صحبت کردیم. بگذارید به نحو فشرده بر خصلتهای برجسته و مهم آن دوباره پافشاری کنیم. دامنه گسترده و همبسته سراسری این خیزش در سراسر کشور، علیرغم تفرقه اندازی ناسیونالیسم ایرانی و کرد دستاورد بسیار مهمی است، که تاکنون این

## سالگرد خیزش انقلابی! آیا امکان برآمد توده ای دیگری هست؟

گفتگو با رحمان حسین زاده

از منظر کدام جنبش و ترند سیاسی ارزیابی و ارونه شکست خیزش انقلابی یکسال گذشته را جار میزنند. تا آنجا که من مشاهده کردم، عمدتاً جریانات و فعالین راست اپوزیسیون، مبلغ شکست خیزش یکساله اند. آنها محق اند، شکست طلبی را موعظه کنند، چون همانطور که اشاره کردیم، جریانات راست بازنده مهم تحول انقلابی خیزش چند ماهه گذشته هستند. این خیزش نه تنها در راستای کاهداف و منافع قطب راست پیش نرفته، بلکه متوجه شان کرده با تحول انقلابی رادیکال و چپ گرایانه قدرتمندی روبرو هستند، در نتیجه حساب شده میخوانند شکست طلبی و یأس را تبلیغ کنند. در قطب چپ و در افکار عمومی صرفنظر از محدودنگری و سطحی نگری حاشیه ای، با ارزیابی شکست طلبانه روبرو نیستیم. همین جا تاکید کنم فراز و نشیب سیاسی در این خیزش و حتی مشاهده فروکش کردن آن در مقطعی که وجود داشته، مجوز تبلیغ شکست این خیزش نیست. به نظر من از منظر کارگر و توده معترض جان به لب رسیده، از منظر برداشتن گامهای محکمتر برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی، خیزش انقلابی یکسال گذشته پیشرویهایی جدی را ممکن کرده است. گام مهمی تناسب قوا را به نفع آلترناتیو رادیکال و آزادیخواه و برابری طلب چرخانده است. اکنون جنبش ما در موقعیت مساعدتری برای ادامه نبرد نهایی با جمهوری اسلامی و سرمایه داری قرار دارد.

**رضا کمانگر:** موقعیت راست و چپ در خیزش انقلابی یکساله به چه نحوی بود؟ چرا سیاست همه باهمی شکست خورد و صف بندی نیروهای سیاسی الان چگونه است؟

**رحمان حسین زاده:** در یک مشاهده ساده می بینیم، ائتلافهای ناهمگون مشروطه خواه و جمهوریبخواه امثال شورای مدیریت گذار منحل شد. کنفرانس شکننده جرج تاون تمامیت ارضی طلبان و فدرالیستها و سلبریتی ها به شکست انجامید. مرکز همکاری جریانات فدرالیست کرد در آستانه از هم گسیختگی است. علت اصلی اینست کل این طیفهای بورژوا ارتجاعی پاسخ رد از خیزش انقلابی در داخل گرفتند. لذا هیاهوی ماههای آغازین آنها با استفاده از رسانه های متنوع و پربیننده و نان به نرخ روز خور و پول و امکانات و حمایت های اولیه محافل پارلمانی و دست راستی در کشورهای غربی به گل نشست. همانطور که قبلاً اشاره کردیم، جریانات راست بازنده مهم این دوره اند. این یکی از دستاوردهای مهم خیزش انقلابی یکساله اخیر است. مسئله مهم دیگر پولاریزه شدن بیشتر صف بندیهای سیاسی و طبقاتی در جریان جنبش اخیر و شفافیت سیاسی ماحصل آن به روشنی در جبهه بندی عمیق تر راست و چپ و در صف آرایی متمایز اپوزیسیون راست و چپ خود را نشان داد. این بر اساس منافع طبقاتی و سیاسی متفاوت و متضاد جنبشهای متفاوت و در سطح ماکروی سیاسی در تقابل بین جنبش راست و چپ خود را نشان داد. جامعه ایران مثل همه جوامع کاپیتالیستی صحنه کشمکش جنبشهای طبقاتی و سیاسی متفاوت است. معلوم بود، تبلیغ راست گرایانه همه باهمی حتی در جنبش سرنگونی همگانی نمیتواند سیاست و تاکتیک این جنبشهای متفاوت را یکی کند. این واقعیت پایه ای علت اصلی شکست پروژه همه با همی بود و نفس این تمایز و تفاوت در صحنه مبارزه جاری و ترکیب حباب همه باهمی یک گام مهم در جهت پیشروی آلترناتیو چپ و سوسیالیستی است.

**رضا کمانگر:** انتظارات مختلفی از سالگرد خیزش انقلابی مطرح است. از جمله آیا امکان اوج گرفتن برآمد توده ای دیگری هست؟

**رحمان حسین زاده:** سالگرد قتل مهسا و آغاز خیزش انقلابی مقطع بسیار مهمی است. نفس گرامیداشت یاد عزیز جانباختن مهسا و نزدیک به هزار جانباخته مبارز دیگر و ارج گذاشتن فداکاری و مبارزه توده عظیم شرکت کنندگان و سازماندهندگان نبرد و مبارزه چندین ماهه اهمیت جدی دارد. اعلام همبستگی با عموم خانواده های صدمه دیده و هزاران بازداشت شده و هنوز در زندان مانده، پافشاری بر دستاوردها و تلاش برای بکارگرفتن ارتقا یافته ابتکارات مبارزاتی به دست آمده را باید جدی گرفت. مشاهده من اینست از مدتی قبل برنامه عمل و اقداماتی در تدارک گرامیداشت شروع خیزش انقلابی در داخل و خارج کشور در دستور است. تصور من اینست در این مناسبت شاهد تحرک اعتراضی جدی خواهیم بود. البته از این مسئله هم نباید غافل بود، جمهوری اسلامی از مدتها قبل برای مقابله با خروش اعتراضی دوباره خود را آماده کرده و میکند. طبعاً موانع و محدودیتهای جدی را در مقابل جنبش اعتراضی محتمل ایجاد خواهد کرد. در مورد اینکه سربرآوردن اعتراضات درست در این مناسبت به برآمد توده ای دیگر منجر شود، نمیتوان قضاوت قطعی کرد. اما وقوع برآمد توده ای مجدد و حتی سازمانیافته تر و رادیکالتر کاملاً در چشم انداز است. دلیل اینست جامعه بیدار شده نمیتواند، بیش از این حاکمیت جمهوری اسلامی و تعرض هر روزه اش به ابعاد متنوع زندگی شایسته انسان امروزی را تحمل کند. مشخصاً مبارزه علیه فقر و علیه حجاب اکنون دو عرصه اصلی و مهم نبرد با جمهوری اسلامی و دو کانون مهم انفجار اجتماعی و برآمد توده ای مجدد در ماههای آینده است. براین اساس برای پاسخگویی به نیازهای مبارزاتی برآمد توده ای مجدد باید خود را آماده کنیم.

**رضا کمانگر:** به عنوان سوال آخر حزب کمونیست کارگری حکمتیست در تدارک سالگرد خیزش انقلابی چه میکند و فراخوان شما چیست؟

**رحمان حسین زاده:** حزب از یک ماه قبل با انتشار فراخوانی به استقبال گرامیداشت مبتکرانه و مبارزاتی سالگرد خیزش انقلابی رفته است. در اعلامیه ای به این مناسبت گفته ایم "فراخوان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانباختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه میدان می آیم!"

براین اساس انتظار و توقع ما از رهبران و فعالین سوسیالیست جنبش کارگری، فعالین جنبش زن و مبارزه علیه حجاب و رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی رادیکال اینست هم برای ارج گذاری همه جانفشانیها، فداکاریها، و مهمتر دستاوردهای خیزش یکساله اخیر با آمادگی و هوشیاری و سازمانیافتگی بتوانیم پتانسیل اعتصابی و اعتراضی به میدان بکشیم. شبکه همگام و متحد شده رهبران و فعالین جنبش کارگری و جنبش توده ای و جنبشهای اجتماعی رادیکال میتواند محور به میدان کشیدن کل پتانسیل اعتراضی علیه جمهوری اسلامی باشد. فراخوان ما به طور مشخص به فعالین کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست اینست در این راستا همه ابتکارات خود را به کار گیرند. به علاوه حزب ما در خارج کشور در همگامی با دیگر نیروهای چپ و کمونیست مبتکر سازماندهی آکسیونهای اعتراضی و دیگر اقدامات در جهت برجسته کردن صدای جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه خواهد بود. مساله مهم دیگر اینست بر اساس زمینه عینی و مبارزاتی با برجسته کردن مبارزه علیه فقر و علیه حجاب اسلامی میخوانیم به شکل گرفتن برآمد توده ای جهت تعیین تکلیف اساسی تر با وضع موجود و جمهوری اسلامی یاری رسانیم.

این مصاحبه در برنامه جامعه و کارگران که از تلویزیون پرتو پخش شده، صورت گرفت. متن کتبی آن اکنون با اندک تغییر و ادیت شده منتشر میشود.

**کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!**



جامعه کردستان، باید در مقابل جنایات اینها متحدانه بایستند. هر جایی که خواستند دست درازی و تعرض کنند باید مقابله و آنها را کوشمالی داد. نباید منتظر قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی بمانند. جمهوری اسلامی همیشه حامی ارتجاع و کهنه پرستی بوده است. تجربه نشان داده، که فقط قدرت خود جوانان و آزادیخواهان می تواند آنها را افسار کند. باید فعالین و

رهبران اینها را شناسایی کنند و در فرصت مناسب به حساب آنها برسند. باید از نحوه کار و فعالیت هایشان و محل زندگی آنان اطلاعات جمع آوری شود، تا بحض اینک به کسی تعرض کردند جواب قاطع را از مردم بگیرند.

\*\*\*\*\*



### مبارزه با مذهب

دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلامی میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست.

این یک صنعت عظیم خرافه پرانی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است.

و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی های سودجویی مقابله میکنید که میدزدند و میبرند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

## در مورد جنایت سلفی ها در کردستان

### کمونیست هفتگی می پرسد

**کمونیست:** در روزهای گذشته دو شهروند به نامهای کریم قوامی هنرمند و بازیگر تئاتر و فاروق رشیدی کارگر، در شهرهای سنندج و سقز توسط سلفی های آدمکش به قتل رسیدند. کوتاه در مورد این حادثه توضیح دهید.

**صالح سرداری:** در جواب شما باید بگویم این اولین بار نیست که سلفی ها دست به چنین جنایاتی میزنند. از روزی که اینها در منطقه فعالیت خود را شروع کرده اند، ترور و ارباب و وحشت پرانی در میان مردم یکی از حربه های آنها بوده است. سلفی های در کردستان با تکیه به پول و امکانات فراوانی که عربستان سعودی و سازمان های تروریستی اسلامی در سطح منطقه در اختیارشان گذاشته اند، توانسته اند تعدادی از جوان ها در شهر و روستاهای مختلف کردستان را، گول زده و آنها را وارد تشکیلات های خود کنند. در این تشکیلات های تروریستی وضعیتی را بر آنها تحمیل میکنند که بازگشت آنان به زندگی عادی را برایشان سخت میکنند. آنها را بعد از ترک کردن صفوف شان به مرگ تهدید میکنند و مواردی این تهدیدها را عملی نموده اند.

سلفی ها در چند سال گذشته مواردی در شهرهایی مانند سنندج و مریوان و سقز با شمشیر و چاقو و قمه به جوانان آزادیخواه تعرض کرده و آنها را زخمی کرده اند. متأسفانه در هفته گذشته دو نفر را در سنندج و سقز به جرم کفر گویی به قتل رسانده اند. البته موارد زیادی هم مردم و جوانان و زنان مبارز در مقابل زورگویی و قمه کشی و تهدید آنها بدفاع از خود پرداخته و آنان را گوشمالی داده اند. نمونه های بارز آن در محله داسیران مریوان و حاج آباد سنندج روی داد که سلفی ها را فراری و دیگر جزأت آفتابی شدن در این دو محل را نداشته اند.

**کمونیست:** هم چنانکه اشاره کردید این اولین بار نیست که داعشی ها در کردستان دست به جنایت می زنند. علت تحرک این مرتجعین جنایتکار چه هست، چرا جمهوری اسلامی به آنان میدان می دهد. در تقابل با این جانوران اسلامی چه باید کرد. وظیفه جوانان چه هست.

**صالح سرداری:** سلفی ها بنا به وضعیتی که در آن قرار میگیرند، دست به توطئه و جنایت می زنند. اینها در فضای انقلابی مثل موش در سوران هایشان میخزند. جرأت هیچ عمل تروریستی ندارند. مثلاً در هشت ماه گذشته که خیزش انقلابی در جریان بود و اعتراضات آزادیخواهانه مردم پایه های رژیم جمهوری اسلامی را به لرزه درآورده بود، آفتابی نشدند. اخیراً با توجه به فشاری که رژیم برای فعالین و مبارزین آزادیخواه و برابری طلب برای ساکت کردن اعتراضات و تظاهرات ها آورده است و خیلی ها را دستگیر و زندانی کرده اند، جان تازه ای گرفته و بخیال خود میخوانند فضای رعب و وحشت و کهنه پرستی را بر جامعه تحمیل کنند.

از طرفی دیگر جمهوری اسلامی برای تحمیل فضای رعب و وحشت میدان را برای اینها خالی کرده و دست آنها را برای انجام هر جنایاتی باز گذاشته است.

مردم مبارز و معترض، جوانان آزادیخواه و برابری طلب، زنان شجاع

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

مرگ برستمگر، چه شاه باشه چه رهبر!



انقلابی و پیامدهای گرانی ارزاق و شوک های اقتصادی بایستند. فرض گفته و ناگفته این دیدگاه اینست که تاکنون سپاه حضور نداشته است و یا حضورش محدود بوده است و یا دولت تاکنون دست به "اعمال خشونت وسیع نزده است". واقعیت اما اینست که سپاه همواره جزو تفکیک ناپذیر دولت و مجلس و نهادهای کنونی جمهوری اسلامی بوده و همواره در راس سرکوب

و نیروی سرکوب در برآمدهای توده ای فعالانه جنایت کرده است. نه فقط کل دار و ندارشان را آوردند و در آرایش های مختلف بکار بردند بلکه از عراق و سوریه و لبنان و افغانستان نیز اسلاف خودشان را اجیر و برای سرکوب به خیابانهای ایران آوردند. سردار رادان ورشکسته و نمایش عذارای حزب الله و تقاضای عاجل از سپاه برای "جمع کردن بی حجابی"، توخالی و جنگ روانی و تبلیغاتی است.

تمردم میدانند که این حکومت متکی به جنایت است و هر روز برای خلق جنایت جدیدی نقشه می ریزد و امروز دستگاه سرکوب تنها تکیه گاه واقعی اش است و این شامل سپاه و شرکا هم میشود. اما قدرت اعتراض و رادیکالیسم جامعه به اذعان خودشان در بالاترین سطح مقامات و مسئولان نظام تا سرداران سپاه و امنیتی ها را وحشت زده کرده بود و "بسیاری وا دادند!" با این اوصاف و وضع وخیم اقتصادی و کساد و رکود سنگین در بازارها و گرانی ترمز بریده که همه را بوحشت انداخته است، معلوم نیست این تهدیدها و درخواست ها قرار است کدام درد بی درمان حکومت را موقتاً مرهم بزنند؟

رادان به نمایندگی کل حکومت اسلامی در مقابل عزم زنان هیچ غلطی نتوانست بکند. رادان لازم نیست با تهدید به کشتن معترضان خود را نشان دهد، مردم پرونده تاریک امثال رادان را زیر بغل دارند. مردم کم از جنس نقدی و ذوالقدر و سلیمانی و بزرگترهای رادان ندیده اند. رادانی که توسط زنان دو هفته ای چپه شد که عددی نیست.

جامعه فهیم و خواهان تغییر این حکومت و توان سرکوب و مانور و مانیپولاسیونش را می شناسد، از توحش و جنایت و ظرفیتهای آدمکشی آنها تجربه زنده و دست اول دارد، باندهای متفرقه و خشکه مقدس اصلاح طلب و اصولگرا و اعتدالی را دیده است و عبور کرده است و با علم به تمام اینها علیه کل حکومت اسلامی خامنه ای بپاخاسته است. در فشرده ترین بیان این دولت در دوره انقلابی با هر ترکیبی و با هر اسم و رسمی وظیفه اش اعاده قدرت نظام و مقابله با امواج مبارزه انقلابی است.

اردوی انقلابی نیز هدفش درهم شکستن اساس قدرت این نظام یعنی ماشین سرکوب و نفی و الغای قدرت و قانون این حکومت است. این نبرد تازه آغاز شده است و تجارب گرانبهای طی همین یکسال اخیر دارد. راه آزادی جامعه و گسستن زنجیرهای انقیاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی نیز با درهم کوبیدن همین قدرت ضد انقلابی اسلامی باز میشود. حق دارید بترسید!

۲۷ جولای ۲۰۲۳

یک تعبیر وارونه از قدرت زنان  
"حجاب و عفاف بالاترین مولفه قدرت ملی!"

صفحه ۱۵

## در باره تهدیدهای پاسدار رادان

یادداشتهای سیاوش دانشور

سردار رادان جنایتکار معرف حضورتان هست. خامنه ای وی را با اتکا به تجارب جنایتکارانه اش برگمارد تا علیه بی حجابی و بپاخاستن نسل جدید بایستد. رادان با لیستی از تهدید و اقدام فوری و دوربینهایش آمد اما طی یکی دو هفته سکه پول شد. رادانی که میخواست علیه قامت بلند زنان و نسل انقلابی بایستد، به وضعیتی افتاد که علیه روزنامه های خودشان شکایت کرد چون کاریکاتورش را منتشر کردند و نوشتند رادان تنها است، یعنی کسی جوابش را نمیدهد و کاری از دستش برنمی آید.

رادان مدتی گم و گور شد اما مجدداً زبان باز کرده است. وی اینبار حمله به مامور انتظامی و دولتی را با "گذشتن قاطع از جنازه متعرض" وعده داده است. یعنی رسماً وعده اعدام خیابانی میدهد. چقدر مردم حق دارند وقتی میگویند: "سپاهی بسیجی داعش ما شمانی!" همزمان با سخنان رادان، تظاهرات گروهی از حزب الله و عذارای برای بی حجابی در ایام محرم بعد از نماز جمعه بود. این گروه فشار بر سر می کوبیدند و شعار میدادند: "سپاه بیا خیابون بی حجابی را جمع کن!"

محرم امسال از هر سالی سیاسی تر و محمل حمله حکومت به زنان و جامعه برای گستراندن اختناق است. در تابستان و مناسبت سالروز برآمد انقلابی شهرپور، مرکز توجه کل حکومت مقابله با گسترش تحرک و نه گفتن زنان و شکلگیری دور دیگری از اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری است. هدفشان اینست که از تکرار مبارزات زنان علیه حجاب در سال گذشته که به برآمد انقلابی ختم شد، جلوگیری کنند. از این وحشت دارند که اینبار نتوانند زیر فشار امواج اعتراضی دوام بیاورند و سرنگون شوند.

اما جامعه و حتی بخشی از حکومتی ها، نه تهدید رادان را جدی میگیرند و نه تظاهرات و عذارای گروه فشار و لباس شخصی ها و نه درخواست از گلابیاتورهای سپاه برای "جمع کردن بی حجابی". زندگی هر روزه، مقابله قاطع زنان با اوباش حکومتی، سوزاندن ماشین گشت ارشاد، سوزاندن پرچمهای محرم، حمله به نمادهای حکومت، مبارزات گسترده کارگری و رشد اعتصاب و اعتراض اجتماعی میگویند این تمهیدات حکومتی برای تشدید سرکوب پاسخ نداده است. رادان نه اولی است و نه آخری، بزرگترهای رادان به "غلط کردم" افتادند. همینطور لباس شخصی و گروه فشار و نیروهای سپاه و امنیتی ها همیشه در خیابان و همه جا حضور داشتند و به وضعیت امروز رسیدند. رژیم میخواهد بگوید که هنوز نیروی اصلی مان را به صحنه نیاوردیم. برادران پیشکسوت در سرکوب زنان و تحمیل حجاب به آنها میگویند که نظام نمی کشد و با این سیاستها مشغول "خودبراندازی" هستید. بیشتر از اینکه مردم از رادان و خامنه ای بترسند، "خودی"ها میترسند که این سیاستها نظام را بر باد میدهد.

یک تز و نظر میتواند این باشد که مقدمات یک "کودتای نظامی" یا حضور رسمی تر و همه جانبه تر سپاه بمثابه دولت سرکوب را تدارک می بینند که بتواند با اعمال خشونت وسیع در مقابل برآمد

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

## یک تعبیر وارونه از قدرت زنان

### «حجاب و عفاف بالاترین مولفه قدرت ملی»!

ببینید قدرت مقاومت و انقلابیگری زنان چه برسر حکومت پوسیده اسلامی آورده که حجاب دارد کم کم "امام جدید" میشود! سران و مقامات جمهوری اسلامی زیر فشار آزادمندی و گردن نگذاشتن زنان به هزیان گویی افتاده اند. مورد آخر را قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی بدست داده است. این اوپاش درجه یک که پست فرماندهی سرکوب زنان را دارد، از نیروی سرکوب زنان برای تحمیل حجاب اسلامی دفاع میکند و فرموده: "دشمن بالاترین مولفه قدرت ملی ما یعنی عفاف و حجاب را به عنوان فتنه جدیدی در پس حادثه سال گذشته تشدید کرده و هدف قرار داده است!!"

دشمن؟ کدام دشمن؟ زنان؟ حامیان آزادی زن؟ فلاکت اسلام و حکومتش را می بینید! مثنی لات و آدمکش و متجاوز با زبان رکیک و شکنجه و قتل و تجاوز، حرمت زنان و یک جامعه را هر دقیقه لگدمال می کنند. آنوقت گذاشتن روسری و حجاب برسر این قربانیان توحش اسلامی میشود "بالاترین مولفه قدرت ملی"!!؟؟ گند بزنند به این قدرت ملی تان!

این تعبیر اما وارونه است، نباید آنرا صرفاً بحساب بیسوادی پاسدار قاسم گذاشت. واقعیت اینست که زنان بعنوان یک قدرت بزرگ ضد اسلامی علیه حجاب بعنوان سمبل بردگی زن و نماد سلطه اسلام در ایران بپاخاسته اند. پرچم حکومت مورد هدف قرار گرفته و در آتش خشم زنان انقلابی میسوزد. "قدرت ملی" اسم شب قدرت بورژوازی است. حجاب پرچم سلطه اسلام در ایران است و نفی حجاب بیانگر پس زدن این سلطه و درهم شکستن اساس این قدرت است.

لذا قاسم رضایی قاتل با این تعبیر وارونه، قدرت حجاب را جای قدرت زنان میگذارد و تهدید حکومت توسط زنان انقلابی و شورشی را "تهدید بالاترین مولفه قدرت ملی" می نامد. قاسم نمیخواهد بگوید اسلام در ایران مورد حمله زنان است، ناچار شده از مفهوم "ملی" استفاده کند تا شاید روحیات مردسالار ناسیونالیستی را هم غلغلک بدهد که به کمک خامنه ای مفلوک بیایند و کمی شعار "مرد، میهن، آبادی" سر دهند.

آن روزی را می بینم که این قدرت سازش ناپذیر بلایی سرتان آورده که سوراخ موش هم گیرتان نمی آید. آنوقت دیگر مولفه های "بالا و پایین" تان بهم می ریزند و مثل موشهایی که از کشتی فرار می کنند یک صحنه زیبای هنری و ماندگار از پایان اسلام در ایران خلق میشود!

۲۳ جولای ۲۰۲۳

#نه\_روسری\_نه\_توسری\_آزادی\_برابری  
#حجاب\_بی\_حجاب  
#حجاب\_را\_آتش\_بزنید

## سلفی های آدمکش را گوشمالی دهید!

### اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

طی چند روز گذشته سلفی های مرتجع و مزدور دوباره فعال شده، و در شهرهای سنندج و سفز جنایت آفریدند.

روز پنجشنبه ۲۹ تیر کریم قوامی هنرمند و بازیگر تئاتر و شخصیت خوشنام شهر سنندج باحمله گروهی از سلفی های مزدور با سلاح سرد و قمه به بهانه «ارتداد و کفر» به منزل خانوادگی آنان در عباس آباد سنندج به قتل می رسد و برادر او خالد قوامی نیز در این حادثه به سختی زخمی می شود. در ادامه این جنایت امروز ۴ مرداد جوانی به نام فاروق رشیدی در شهر سفز نیز توسط این کهنه پرستان تاریک اندیش به قتل می رسد.

این اولین بار نیست که این جانوران از گور برخاسته در پناه جمهوری اسلامی دست به این نوع جنایات می زنند. در مدت دو سال گذشته با تعرض مردم و جوانان انقلابی بعد از دومورد آشوب و گردنکشی در مقابل مردم در شهرهای سنندج و مریوان گوشمالی و به سوراخهای خود خزیدند.

در شرایطی که مردم در سراسر ایران در چند ماه گذشته برای پایان دادن به عمر جمهوری نکبت اسلامی و جارو کردن مذهب و ارتجاع دست به مبارزه ای جانانه زده اند، رژیم جنایتکار اسلامی ضمن سرکوب و دستگیری و اعدام، برای مقابله با مردم، دست سلفی های مزدور را برای تعرض به سکولاریسم و آزادیخواهی و تضعیف صف مبارزه برابری طلبان در شهرهای کردستان باز گذاشته است.

سلفی گری و ارتجاع اسلامی و اظهار وجود آنان در شهرهای کردستان بدون حضور جمهوری اسلامی و میدان دادن به این جریان کهنه پرست و سیاه امکان ندارد.

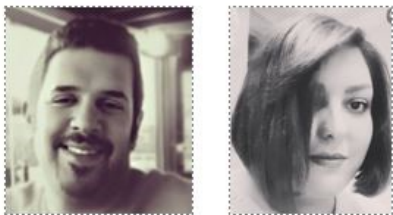
کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن این جنایات و تسلیت به خانواده جانباختگان این واقعه از مردم آزادیخواه و جوانان انقلابی شهرهای کردستان که در چند ماه گذشته با مبارزه انقلابی و از خود گذشتگی علیه ارتجاع حاکم به پا خواستند، می خواهد، که نسبت به حضور داعشی ها در شهرهای کردستان بی تفاوت نباشند و همانند سالهای قبل در شهرهای سنندج و مریوان آنها را گوشمالی داده و اجازه چنین تحرکاتی را به آنان ندهند. کردستان محل تاخت و تاز این تروریستهای قاتل نیست و یقیناً مردم مبارز و جوانان انقلابی این اعمال ضد انسانی این جانپان را بی پاسخ نخواهند گذاشت. خیزش انقلابی مردم متنفذ از حاکمیت ارتجاع مذهبی، در اولین قدمهای پیشروی خود، این خس و خاشاک ها را از جلو پای خود جارو خواهد کرد.

شهرهای کردستان جای ارتجاع سلفی نیست.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۴ مرداد ۱۴۰۲

زنده باد آزادی، برابری، رفاه همگانی!



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیر عسگری و آرش کلهر

### گرانی نان

افزایش تقریباً صد در صدی قیمت نان از مشهد شروع شد و مردم را غافلگیر کرد. از روز دوشنبه صبح قیمت نان بدون اطلاع قبلی تا ۴۰ درصد در انواع مختلف افزایش پیدا کرد. نان بربری سنتی پارانهای از ۸۵۰ تومان به ۱۲۰۰ تومان، سنگگ پارانهای از ۱۴۰۰ به ۲۰۰۰ تومان و لواش ماشینی از ۴۰۰ به ۵۵۰ تومان افزایش پیدا کرده است. تصمیم‌گیری درباره قیمت نان از سال‌های پیش به صورت استانی و برعهده کارگروه‌های آرد و نان هر استان با ریاست استاندار است. خبرگزاری حکومتی فارس اعلام کرد: طرح افزایش قیمت نان بزودی در سراسر ایران اجرا خواهد شد.

### گرانی گوشت قرمز و مرغ

با سیاست گرانی ارزاق عمومی و نرخ تورم، هر روز دستمزد کارگران کاهش می‌یابد و از سفره آنان اقلامی حذف می‌شود. گوشت بالای ۵۰۰ هزار تومان و مرغ بالای ۱۰۰ هزار تومان شده است. اگر کارگری بخواهد در ماه ۳ کیلو گوشت و ۵ کیلو مرغ برای خانواده ۴ نفره‌اش بخرد، باید بیش از یک چهارم از حقوق خود را پرداخت کند. نه فقط با مزد کنونی بلکه با دو شیفته کار هم نمیتوان از پس گرانی‌های سرسام آور برآمد.

### سیستان و بلوچستان، آب و برق قطع است

در گرمای کشنده شهرهای زاهدان و ایرانشهر و زهک و زابل روزهاست که در بیشتر محلات آب و برق قطع است. مردم در منگنه گرما، تشنگی، گرسنگی و بیکاری در شن و خاک به مرگ تدریجی محکوم شدند.

### اعتراض کارگران کارخانه خزر پلاستیک رشت

روز سه شنبه ۳ مرداد ماه ۱۴۰۲، جمعی از کارگران شاغل در کارخانه خزر پلاستیک رشت در پی ممانعت از ورود ۲ نفر از همکاران آنها به محل کارشان اعتراض کردند. با اخراج دو کارگر باسابقه، کارگران نگران بیکارسازی و باصطلاح "تعدیل نیرو" هستند و در واکنش به اقدام کارفرما و در حمایت از این دو کارگر در مقابل ساختمان اداره کل کار استان تجمع کردند. کارخانه خزر پلاستیک بیش از ۲۷۰ کارگر پیمانکاری و قرارداد مستقیم دارد که امنیت شغلی آنها به دلیل داشتن قراردادهای موقت یک ماهه تامین نمی‌شود.

### اعتصاب کارگران معدن چادرملو یزد

از صبح یکشنبه ۱ مردادماه، کارگران معدن چادرملو در اعتراض به سطح پایین دستمزد در محوطه شرکت اعتصاب کردند و دست از کار کشیدند. اصلی‌ترین خواسته کارگران افزایش و متناسب‌سازی حقوق‌شان براساس نرخ تورم، پرداخت کامل سود سهام شرکت سها، ثابت‌شدن و اجرای طرح همسان‌سازی حقوق‌ها و تخصیص بیمه تکمیلی به آنان است. اعتصاب از ساعت ۷:۳۰ صبح آغاز شد و تمامی کارهای تولیدی چادرملو از جمله سنگ‌شکن، ریکلایمر، خطوط تولید و بارگیری تعطیل شد. خط کوه نیز به اعتصاب پیوست است و

فعالیت تراک‌ها متوقف شد. اعتصاب روز دوشنبه و سه شنبه ادامه یافت. روز سه‌شنبه سوم مردادماه ۱۴۰۲، طی جلسهای سه‌جانبه‌ای که مابین مسئولین مجتمع چادرملو، مدیران آسفالت‌طوس و نمایندگان کارگران برگزار گردید برای بهبود وضعیت دستمزد و تسهیلات رفاهی کارگران توافقاتی حاصل شد. پس از این جلسه ۵ ساعته بنابر توافق ایجاد شده، کارگران به اعتصاب پایان داده و به سر کار بازگشتند. در این اعتصاب بیش از هزار کارگر شرکت داشتند.

### تجمع اعتراضی کارگران کمپرسورسازی تبریز مقابل استانداری

روز دوشنبه دوم مرداد، کارگران کمپرسورسازی تبریز در اعتراض به بلا تکلیفی و دیگر معوقات در مقابل استانداری دست به تجمع زدند. کارگران می‌گویند ۱۰ سال است که بلا تکلیف هستیم و صاحب کارخانه هیچ کاری را بر عهده نمی‌گیرد و ما همچنان در به در هستیم تا نانی به خانه ببریم. دو ماه است که پول بیمه را از حقوق ما کسر می‌کنند اما به بیمه نمی‌دهند. همچنین طبقه‌بندی مشاغل را که دو سال است قول اجرا به ما داده‌اند، امروز و فردا می‌کنند.

### تجمع سراسری بازنشستگان مخابرات

بازنشستگان مخابرات در بیش از ۱۵ استان صبح روز دوشنبه ۲ مردادماه ۱۴۰۲، بار دیگر به خیابان‌ها آمده و اعتراض کردند. بازنشستگان مخابرات در استان‌های گیلان، ایلام، مازندران، کرمانشاه، تهران، کردستان، آذربایجان شرقی، زنجان، خوزستان، فارس، هرمزگان، اصفهان، خراسان رضوی، و ... اجتماعات اعتراضی برگزار کردند. "بازنشسته داد بزن حق‌تو فریاد بزن" و "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه" از شعارهای مشترک بازنشستگان بودند. بازنشستگان مخابرات در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، هر هفته در دوشنبه‌های اعتراضی مقابل شرکت مخابرات اهواز دست به تجمع می‌زنند.

### تجمع بازنشستگان فرهنگی و بازنشستگان تامین اجتماعی

روز سه شنبه ۳ مرداد ماه از جمله در کرمانشاه، یزد و سنجند، بازنشستگان فرهنگی همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی دست به تجمع زدند و علیه "دولت شش کلاسه" شعار دادند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری

بازنشستگان کشوری در استان قزوین و شهرستان البرز در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای همسان سازی حقوق، تورم و گرانی و رفع مشکلات بیمه درمانی و تکمیلی، آزادی معلمان زندانی و بستن پرونده معلمان شاغل و بازنشسته دست به تجمع زدند.

### معوقات مزدی کارگران شهرداری ایرانشهر

کارگران شهرداری ایرانشهر از تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی خود معترض هستند، آنها از اسفندماه سال گذشته حقوق دریافت نکرده‌اند.

### تجمع اعتراضی مالباختگان در تاکستان

**زنده باد همبستگی جهانی کارگران!**



## ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

### تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

تجمع اعتراضی مالباختگان شرکت رضایت خودرو طراوت نوین (غفاری) مقابل فرمانداری تاکستان با سرکوب نیروهای امنیتی روبرو شد.

### اعتراض گوجه کاران مرودشت و بستن جاده

کشاورزان مرودشت در اعتراض به قیمت پایین گوجه مباردت به بستن جاده کردند. این در حالی است که قیمت رب گوجه مرتباً رشد میکند و نرخ گوجه خریداری شده از کشاورزان مرتب سقوط میکند.

### برگزاری دومین دادگاه نیلوفر حامدی و الهه محمدی

قرار بود روزهای سوم و چهارم مرداد دادگاه دو خبرنگار آزاده به ریاست ابوالقاسم صلواتی برگزار شود. دو خبرنگاری که با وجدان کاری و شجاعت، گزارش قتل ژینامینی را منتشر کردند.

### عباس دریس و محمد قبادلو موقتاً از اعدام رهایی یافتند

فرشته تابانیان و کیل عباس دریس از توقف حکم اعدام وی خبر داده و امیر ریسیان، وکیل محمد قبادلو نیز گفته است حکم قصاص محمد قبادلو نقض و پرونده شعبه هم عرض ارجاع خواهد شد.

### یک میلیارد وثیقه برای آزادی نوجوان ۱۵ ساله

ارشک قیصر بیگی، ۱۵ ساله، اهل شهرستان سرابله، پس از حدود یک ماه بازداشت با وثیقه یک میلیارد تومانی موقتاً آزاد شد. وی از هشتم تیرماه ۱۴۰۲ در بازداشتگاه ایلام زندانی و در بازجویی مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود.

### برهان سعیدی، فعال کارگری به دو سال حبس محکوم شد

روز دوشنبه ۲ مردادماه ۱۴۰۲ برهان سعیدی، فعال کارگری اهل سنندج توسط شعبه یکم دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی سعیدی از بابت اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی به دو سال حبس تعزیری محکوم شد. حکم دو سال حبس تعزیری برهان سعیدی، ۵۹ ساله به مدت چهار سال به حالت تعلیق در آمده است.

### آنیشا اسداللهی معلم و مترجم به زندان رفت

آنیشا اسداللهی معلم، فعال کارگری و مترجم سندیکای کارگران شرکت واحد، برای گذراندن حکم ۵ سال حبس به زندان اوین رفت. وی به اتهام اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام به ۵ سال و ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده است که ۵ سال آن قابل اجرا است.

### صدور حکم ۴ سال زندان برای ریحانه انصاری نژاد

ریحانه انصاری نژاد کارگر بازنشسته به ۴ سال زندان محکوم شد. بر اساس این حکم، ریحانه انصاری نژاد به ۴ سال حبس تعزیری و به عنوان مجازات تکمیلی به مدت ۲ سال از عضویت در احزاب، گروه‌ها، دستجات سیاسی و فعالیت در فضای مجازی، رسانه‌ها و مطبوعات و خروج از کشور محکوم شده است. این حکم توسط شعبه ۱۵ به ریاست قاضی صلواتی صادر شده است.

احضار میکائیل صدیقی دبیر کانون انجمن کارگران ساختمانی به اداره اطلاعات مریوان

طی چند ماه گذشته میکائیل صدیقی دبیر کانون انجمن های کارگران ساختمانی کردستان برای چندمین بار از سوی اداره اطلاعات احضار شده است. احتمال می رود که احضار او در رابطه با برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و بیانیه حمایت از اعتراضات توده ای می باشد.

### انجمن های حامی حقوق کودکان در حمایت از سروناز احمدی

انجمن های حامی کودکان از سروناز احمدی فعال حقوق کودکان حمایت کردند و طی اطلاعیه ای خواستار آزادی وی و بازگرداندن به کودکان شدند.

### سندیکای کارگران واحد خواستار آزادی فوری داود رضوی شد

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خواستار صدور حکم عدم تحمل حبس و آزادی فوری داود رضوی می باشد. در دنیای عجیبی به سر می بریم قرار بود بر دستان کارگر بوسه زده شود اما نه تنها بوسه زده نشد بلکه کارگری را که برای معیشتش اعتراض کرده و تنها جرمش حق خواهی می باشد به زندان می برند. هزار و یک سناریو می چینند که او را علیه امنیت ملی قلمداد کنند؛ خود و خانواده اش را تحت فشارهای روحی و اقتصادی قرار می دهند، به طوری که از نظر جسمی صدمه جدی می بیند و بعد تازه بایستی پول درمان ناقصش را هم از جیبش بپردازد.

### گرمزدگی کارگران در کنگان

روز ۴ مردادماه ۳۰ نفر از کارگران پروژه ای پترو پالایش کنگان شرکت فولاد کوشان تا ساعت ۱۲ گرمزده شده و از حال رفتند. کارگران بدون کمترین امکانات از جمله وجود آمبولانس در محل پروژه هستند و کارفرمایان اصرار دارند که کارگر در دمای بالای نجاه درجه کار کنند.

### خودکشی کارگر پتروشیمی ایلام در پی اخراج

یک کارگر پتروشیمی شهرستان چوار با نام حیدر حسنی، متأهل و دارای دو فرزند به دنبال اخراج از کار توسط حراست این مجتمع، با حلق آویز کردن خود اقدام به خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داد.

### جان باختن یک کولبر زحمتکش بر اثر شلیک مستقیم پاسداران

روز چهارشنبه ۴ مرداد یک کولبر زحمتکش به نام حسن توفیق زاده از اهالی سرشیو سقز بر اثر شلیک مستقیم پاسداران در مرز بسطام جان باخت. وی متأهل و دارای ۲ فرزند بود.

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

نه روسری، نه توسی، آزادی و برابری!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!